

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی الهی زحمت

آیت الله سید
محمد باقر صدر
مغز متفکر شیعه در
مبارزه با مکاتب
مادی و انحرافی



صفحه ۲

سال سی و پنجم ♦ شماره ۱ ♦ شماره مسلسل ۱۴۷۱ ♦ نیمه اول فروردین ماه ۱۳۹۳ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

حسینیه ارشاد و شهید مطهری

گفتگو با استاد خسروشاهی درباره تحولات حسینیه ارشاد

مقدمه: فعالیت های حسینیه ارشاد از زمان شروع تا تعطیلی در آبان ۵۱ با حرف و حدیث ها، نقدها و حاشیه های بسیاری روبه رو است که اختلاف ایشان با دکتر شریعتی است. حامیان و نزدیکان به مطهری او را پایه گذار اصلی حسینیه می دانند و معتقدند بعد از جدایی ایشان حسینیه تا حدودی از مسیر و اهداف خود منحرف شد. اما در مقابل هواداران شریعتی سخنرانی های او را عامل اصلی رونق حسینیه می دانند و معتقدند اگر سخنرانی های پر شور شریعتی نبود هیچ وقت برنامه ها و دیگر سخنرانی های حسینیه با اقبال نسل جوان مواجه نمی شد. در گفت و گو با سید هادی خسروشاهی که از مدافعان استاد مطهری است این حاشیه ها و کشمکش ها را به بحث گذاشته ایم و او به دفاع از عملکرد شهید مطهری پرداخته و در مقابل معتقد است اقدامات ناصر میناچی عامل اصلی جدایی ایشان از حسینیه و تشدید کننده اختلاف او با دکتر شریعتی بوده است.

حسینیه ارشاد با چه اهداف و رویکرد اولیه ای تشکیل شد؟ به عبارت دیگر حسینیه ارشاد قرار بود کدام خلاء را پر کند و چه فعالیت هایی انجام دهد که در مساجد و مراکز مذهبی پیش از آن پوشش داده نمی شد؟

استاد شهید مطهری، پس از تکمیل تحصیلات خود در حوزه علمیه قم و آغاز زندگی علمی - اجتماعی در تهران، همواره در زمینه های فرهنگی فعالیت داشت و در همین راستا، در هر کجا که بود و حضور داشت، به کوشش و تلاش خود در این زمینه ها ادامه می داد. حضور مستمر در دانشکده الهیات دانشگاه تهران، انجمن های اسلامی دانشجویان، مهندسان، پزشکان و بانوان، مکتب توحید و مسجد الجواد، مسجد قبا و... نشان دهنده علاقه ایشان به مسائل اجتماعی - فرهنگی، با نگاه علمی - نه شعاری - است.

سخنرانی های ایشان در مساجد یا مراکز فرهنگی و انجمن های اسلامی و حضور در این محافل، تجربه های زیادی دربر داشت که استاد شهید تصمیم گرفت با استفاده از این تجربه ها، مرکزیتی برای فعالیت های نوین دینی - علمی - تحقیقی به وجود آورد و عناصر فرهیخته و دانشمند را در مؤسسه ای گرد هم جمع کند تا یک کار علمی - آکادمیک ماندگار انجام دهد. با این هدف، به فکر تأسیس یک نهاد مستقل جدید افتاد و پس از مشورت با اساتید و دوستان، نخست جلساتی را زیر خیمه ای بزرگ در چالبرز - جاده شمیران - برگزار نمود و خود هر هفته چند سخنرانی در آن ایراد می کرد و کم کم دوستان و علاقه مندان ایشان محل فعلی «حسینیه ارشاد» را انتخاب و خریداری کردند و بدین ترتیب نهادهی تحت عنوان «مؤسسه خبریه تعلیماتی و تحقیقاتی علمی و دینی حسینیه ارشاد» به وجود آمد.

شما با استناد به دو نامه ساواک معتقدید مرحوم استاد مطهری جزو هیأت مؤسس حسینیه ارشاد بوده است. اما مرحوم میناچی معتقد بود که بر اساس اسناد ثبتی هیأت مؤسس تنها خود ایشان، همایون و علی آبادی بودند. رسول جعفریان در کتاب «جریان ها و سازمان های مذهبی - سیاسی» این احتمال را مطرح می کند که در درخواست اولیه تأسیس، نام آقای مطهری هم به عنوان مؤسس مطرح بوده و بعدها به دلایلی ایشان کنار گذاشته شده و ثبت اصلی به نام همایون، میناچی و علی آبادی بوده است. به اعتقاد جعفریان شاهد این احتمال آن است که بعدها آقای مطهری از این مسأله گله کرده و از این که قرار بوده در هیأت مؤسس باشد و کنار گذاشته شده، سخن گفته است. (ص ۶۵۶) جنابعالی این احتمال را چه میزان صحیح می دانید و چه تحلیلی درباره آن دارید؟

استاد مطهری مؤسس واقعی حسینیه بود و حتی به گفته خود ایشان، برای خرید محلی، همراه آقای محمد همایون به چندین جا سر زدند و سرانجام محل فعلی را که چهار هزار متر مربع بود، آقای همایون به مبلغ دو میلیون و چهارصد هزار تومان خریداری کرد. استاد شهید در نامه ای که بعدها من متن آن را منتشر کردم صریحاً می نویسد: «... عملاً و واقعاً من مؤسس بودم، سهم من هم از سهم آقای همایون بیشتر است و هم از سهم آقای میناچی تا چه رسد به دکتر علی آبادی...»

در واقع آقای همایون «بانی» مالی بود و آقای میناچی مسؤول امور مالی یا صندوق دار و شهید مطهری مؤسس اصلی و مسؤول امور علمی - تحقیقاتی - دینی. طبق اسناد ساواک و شهربانی کل، درخواست کننده اصلی مجوز برای تأسیس حسینیه، «مرتضی مطهری» بوده و پس از موافقت آنها - ضمن هشدار به سوابق استاد شهید - در موقع ثبت رسمی موسسه، با توجه به «حقوق دانی! آقای میناچی» ناگهان آقای دکتر علی آبادی، به عنوان عضو مؤسس اعلام شد که نه سابقه ای در امور فرهنگی داشت و نه اطلاعات کافی در امور علمی، دینی و در همین رابطه شهید مطهری می نویسد: «اینکه قرار بود من جزو هیأت مؤسس باشم، از اول خارج کرد؛ با اینکه عملاً و واقعاً مؤسس من بودم.»

ادامه در صفحه ۴

دکتر محمد جواد صاحبی:

آیت الله آصفی تاریخ نیم
قرن مبارزه مردم عراق
علیه رژیم صدام است



صفحه ۲

معاون بین الملل حوزه خبرداد

پشتیبانی شبکه های
ماهواره ای شیعی نما
از سوی آمریکایی ها



صفحه ۶

حجت الاسلام والمسلمین اوحدی:

«رفع تفرقه»
اولویت فرهنگی
مجمع تقریب



صفحه ۷

انتقاد حضرت آیت الله
شیرازی زنجانی از
ترویج دهه های پیاپی
عزاداری



صفحه ۸

آیت الله
موسوی بجنوردی
و دادگاه های
انقلاب



صفحه ۲

در گفتگو با شبکه مصری «نیل»
مطرح شد

پرسش و پاسخ جالب
با رئیس الازهر درباره
اختلافات شیعه و سنی



صفحه ۸

گامی میلیمتری به سوی «آشتی ملی» تبار ایرانی عمامه و کراوات

پس از این درد دل، بر سر سخن می‌روم:
- به یاد دارم در درس خارج اصول امام خمینی (ره) که عصرها در مسجد سلماسی برقرار بود، ایشان به مناسبتی به لباس روحانیت اشاره ای گذرا داشتند به این مضمون که این لباس، برگرفته از لباس روحانیون زرتشتی است که با تغییراتی به صورت کنونی درآمده است.
این نکته کوتاه را من در ذهن داشتم تا بعدها در مطالعات پراکنده ام به نکات دیگری واقف شدم که به اجمال به آنها اشاره می‌کنم:



با توجه به این که تاریخ ظهور آئین زرتشت (و پیش از آن میترائیسم و مهرپرستی) از ظهور آئینهای یهود و نصاری و اسلام جلوتر است و با توجه به این که پوشش پیشوایان دینی این چهار آئین (و نیز پیشوایان بودائی و هند) نزدیک به هم است که عبارت است از یک پوشش ساده و سپید بر سر و ردا و قبا یا بلند در بر. در هیچ یک از پوششهای پیشوایان این ادیان، از زیب و زیور و تاج و افسر شاهان خبری نیست... (بجز تاجگذاری تشریفاتی پاپ که در جای خود قابل بررسی و نقد است).
نتیجه می‌گیریم که لباس روحانیون مسیحی، یهودی و مسلمان، ریشه در لباس موبدان زرتشتی دارد و پوشش پیشوایان دینی سه دین اسلام و مسیحیت و یهودی، برگرفته از پوشش روحانیون زرتشتی - ایرانی بود.

این اشاره ای به پیشینه ایرانی پوشش عمامه. حالا برویم بر سر «کراوات»: بنابر آنچه در پژوهش تاریخی جناب آقای دکتر محمدعلی دادخواه تحت عنوان: «پژوهشی پیرامون پیشینه کراوات - پوشینه ایرانی» آمده است: با توجه به آنکه انواع پوششها چون کلاه و پیراهن بر اثر نیاز آدمی شکل گرفته و با بررسی واژگان «کراوات» که از ریشه «کرو» و «گرو» به معنای «گره» و پسوند «آت» (مانند سروسات) به معنی فراوانی است و با توجه به سیرتاریخی پوشینه تزیینی «کراوات» که از فرانسه به سایر نقاط جهان راه یافته است، پیگیری «پژوهشی» ما را به زمان لوئی چهاردهم فرانسه می‌کشد که از اقوام مختلف «هنگ» های گوناگونی ساخت منجمله هنگ «کراواتها» که از کرواسی به فرانسه آمده بودند. اینان به نشانه وابستگی هنگشان به کرواسی، دستمال ابریشمی بر گردن می‌آویختند که این حمایل ابریشمی، کم کم بخشی از زیور نظامی ارتش فرانسه شد و بعد به شکل کنونی کراوات، جهانی شد.

ادامه در صفحه ۵

استاد محمدجواد حجتی کرمانی

اشاره: این نوشته، براساس شنیده شخصی ام از امام خمینی (ره) و نوشته ای از جناب دکتر محمدعلی دادخواه، حقوق دان (حقوق بان) و وکیل دادگستری فراهم آمده است.

پیش از آغاز سخن بگویم که من هنوز در رؤیای «آشتی ملی» و چشم به راه تأویل و تعبیر آن از سوی «یوسف» انقلاب اسلامیم... این رؤیا، البته در انتخابات خرداد ۹۲ در

حد یک درصد تعبیر شد که در این تعبیر عملی، رهنمود راهگشای رهبر انقلاب و جمع و جور شدن اسباب توفیق و همت و موقع شناسی فعالان سیاسی به خصوص آقایان خاتمی و هاشمی و عارف، هر کدام نقشهای خود را ایفا کردند و خدا را شکر...

اما در این روزهای آخر سال ۹۲ می‌خواهم یادآور شوم که این گامهای مؤثر و سرنوشت ساز هر چند کشور را از ورطه هولناکی که طی هشت سال گذشته در آن افتاده بود نجات داد اما تا رسیدن به نقطه مطلوب و تحقق آشتی ملی - آنگونه که در رؤیای من است - فاصله زیادی داریم... خوانندگان وفادار این قلم به یاد دارند که من راه برون رفت از مشکلات فراهم آمده طی ۳۵ سال گذشته، از آغاز انقلاب تاکنون، را در یک کلمه خلاصه کرده ام و آن «آشتی ملی» است. من «آشتی ملی» را به معنای بازگشت واقعی به فضای عطرآگین و مهربانیز بهمن ۵۷ می‌دانم که نه تنها میان گرایشهای متضاد درونی - اسلامی، ایرانی، بلکه میان باورهای مادی و الهی نیز همدلی و هم آوایی به وجود آمده بود و آحاد ملت از روحانی و روشنفکر و جوزوی و دانشگاهی و شهری و دهاتی و عارف و عامی و دیندار و بی دین، هم زیر پرچم اسلام و رهبری امام خمینی (ره)، کلیه تضادها و درگیری های نظری و علمی را فراموش کرده بودند و در جهت رهائی از یوغ استبداد و استثمار که در نظام شاهنشاهی و شخص شاه و سلطه نظامی و سیاسی غرب به خصوص آمریکا متبلور شده بود، یک دل و یک صدا شدند...

فضای آن ایام فرخنده تاریخی کجا و فضای پر از دعا و نزاغ و جنجال و گروکشی و میج گیری و گفتگوهای تند و بی حاصل یک من یک غاز کنونی کجا?... قلم را مهار کنم که حافظ فرمود:

کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد

یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد

شرق: «آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی» از شاگردان برجسته امام خمینی(ره) و عضو شورایعالی قضایی در دوره حیات ایشان، با پایگاه اطلاع‌رسانی «جماران» درباره دستگاه قضایی و زندان‌های دهه ۶۰، گفت‌وگو کرده است. در این گفت‌وگو مسایلی چون «مخالفت امام با حکم اعدام برای مفسدفی الارض و شاه»، «شرایط زندان‌های کشور»، «موضوع سلول‌های انفرادی»، «استغفای «لاجوردی»، نظر امام درباره اعدام‌های سال‌های اول انقلاب» و «برگزاری مراسم برای علی شریعتی» مطرح شده است. بخش‌هایی از این گفت‌وگو در ادامه می‌آید:

در صفحه ۳۷۸ بیست‌ویکمین جلد صحیفه امام خمینی، نامه‌ای از امام خمینی خطاب به هیات عفو زندانیان نوشته شده است که در آن از تلاش‌ها و زحمات‌های این هیات تشکر می‌کنند.
هیات عفو یک‌بار ۴۰۰ نفر را آزاد کرد. یکی از مسوولان به امام گفته بود، هیات عفو، زندانیان را آزاد می‌کند و زندانیان هم به مسعود رجوی ملحق می‌شوند. این شد که ما، درخواست ملاقات با امام با حضور خود آن شخص را دادیم. خدمت امام عرض کردیم، به ایشان بفرمایید چهار نفر از این ۴۰۰ نفر را اسم بیاورد که به آقای رجوی ملحق شده‌اند. آن شخص گفت، یک نفر به خارج از کشور رفته است. امام گفتند، اگر چهار نفر هم به آقای رجوی ملحق شده باشند ما نباید به خاطر آن چهار نفر، ۴۰۰ نفر را در زندان نگه داریم.

اعضای هیات عفو منصوب چه کسی بودند؟
امام تعیین کردند و ما هم مرتباً افرادی را برای بررسی به شهرستان‌ها می‌فرستادیم تا به مناسبت‌هایی نظیر اعیاد یا ۲۲ بهمن، افراد را آزاد می‌کردیم و در واقع این صلاحیت به ما داده شده بود. وقتی که امام، عفو را به آقای منتظری احاله کردند، آقای منتظری هم خطاب به هیات عفو گفتند، شما خودتان عفو کنید.

هیچ‌گاه میان هیات عفو و آقای منتظری یا میان شورایعالی قضایی و ایشان، اختلافی وجود داشت؛ مودی بود که ایشان از شما تقاضا داشته باشند و شما عمل نکنید؟

اصلا

آیا مودی بود که آقای منتظری تاکید بر عفو شخصی داشته باشند؟

بله، معمولاً هم به من می‌گفت.

در جلد ۲۰ صحیفه امام، صفحه ۳۹۷ آیت‌الله موسوی‌اردبیلی در سال ۶۶ استفتایی از امام خمینی می‌کنند؛ مبتنی بر اینکه با توجه به اینکه نظر فقهی امام خمینی اعدام شخص مفسد نیست؛ شورایعالی قضایی اجازه عمل بر اساس نظر آیت‌الله منتظری را داشته باشد که اعدام مفسدفی الارض را جایز می‌دانند. در آن دوران شما رییس دادگاه عالی و عضو شورایعالی قضایی بودید؛ از این منظر بر احکام اعدام در زمان حیات امام خمینی نظارت داشتید؛ در دادگاه عالی، بر اساس کدام رای فقهی عمل می‌کردید؟ آقای منتظری یا امام خمینی؟

نظر ایشان در این بود که عنوان مفسدفی‌الارض به‌خودی‌خود، عنوان مجرمانه‌ای که مستحق اعدام باشد نیست... من شخصا از ایشان برای دادگاه عالی قضات استفتاء کردم که آیا قاچاقچیان موادمخدر مستحق اعدام هستند یا خیر؟ که ایشان فرمودند: «چنانچه حمل اسلحه، شرارت و فساد کنند.» یعنی ایشان، نفس مفسدا را به تنهایی به‌عنوان یک جرم مستقل [با مجازات اعدام] قبول نداشتند. **خاطره‌ای از امام به‌خاطر دارید که با ایشان در مورد یک مصداق مشخص مفسدفی‌الارض صحبت کرده باشید؟**

[در زمان حضور حضرت امام در نوفل لوشاتو] من شب‌ها در پاریس می‌خوابیدم. آنجا روزنامه‌ای عربی

با عنوان «السفیر» به چاپ می‌رسید. یک روز دیدم مصاحبه‌ای با امام انجام داده و این پرسش را مطرح کرده بود که در صورت پیروزی، شما با شاه چه می‌کنید؟ امام در پاسخ فرموده بودند که اقل عقوبتش حبس ابد است. من همیشه صبح‌ها بعد از نماز از پاریس می‌رفتم نوفل لوشاتو خدمت امام. بعد از خواندن آن روزنامه، همان اول صبح رفتم خدمت امام. ایشان پرسیدند، خبری شده؟ من هم گفتم، بله. در روزنامه امروز صبح خواندم که شما اقل عقوبت شاه را حبس ابد عنوان کردید. ایشان فرمود: «ما به چشممان ندیدیم که کسی را کشته باشد. ایشان آمر به قتل است.» خب اگر قرار است کسی مفسد باشد، شاه که دیگر فرد اکمل و اتم آن است. ببینید، مذاق امام این بود. مبنای فقهی آن هم همان‌طور که خدمتتان عرض کردم و در «تحریرالوسیله» آمده اینگونه است که فردی اسلحه بکشد، در جامعه ایجاد رعب و وحشت کند و در زمین فساد کند. در قرآن هم که از همه مهم‌تر است اینگونه آمده... در این ۹ سالی که من در شورایعالی قضایی بودم، احکام اعدام را هم بعد از اینکه مراحل آن در دادگستری انجام می‌شد، نظارت می‌کردم تا ببینم با اصول مطابقت دارد یا خیر که در خیلی از موارد هم می‌شد، ایراد می‌گرفتم و به دیوانعالی کشور برمی‌گرداندم تا مجددا رسیدگی کنند. در آنجا هیچ‌وقت یادم نمی‌آید که حکمی را که به‌عنوان مفسدفی‌الارض باشد، امضا کرده باشیم. چون دادگاه‌ها موظف بودند طبق «تحریرالوسیله» عمل کنند. اما چون اصرار برخی از بزرگان این بود که برخی که مستحق اعدام هستند، اعدام شوند، امام به فتوای آقای منتظری ارجاع می‌دادند. **اعدام‌هایی که در زمان شما در زمینه حمل موادمخدر انجام می‌شد، هیچ‌کدام صرفا به دلیل حمل مواد انجام نمی‌گرفت؟**

ما به صرف حمل مواد مخدر، فردی را اعدام نمی‌کردیم. کسانی اعدام می‌شدند که اسلحه داشتند و با ماموران درگیر می‌شدند، آنجا بود که جزو محاربون قرار می‌گرفتند. البته حمل موادمخدر هم جرم است و کیفر دارد اما مجازات آن اعدام نیست. ببینید، اعدام در اسلام حساب دارد. درواقع موارد اعدام در اسلام معین است. بنده و آقایان، محمدی‌گیلانی، ابطحی‌کاشانی و قاضی خرم‌آبادی جزو هیات عفو امام بودیم که اتفاقاً بسیاری از افراد را هم عفو می‌کردیم. یادم هست در یک سالی به مناسبت ۲۲ بهمن، ۱۵هزارنفر را آزاد کردیم که به ما گفتند، خب یک‌بارہ در زندان‌ها را باز کنید دیگر.

در چه شرایطی زندانیان مشمول عفو می‌شدند؟
ما افرادی را برای مصاحبه به زندان‌ها می‌فرستادیم و اگر می‌فهمیدیم که کسی برگشته و واقعا اصلاح شده است، او را عفو می‌کردیم.

اساس شکل‌گیری زندان در دین اسلام بر چه مبنایی است؟

اساس شکل‌گیری زندان در اسلام برپایه تادیب و اصلاح است. اگر ما قصد اصلاح فردی که مثلاً چکش پاس نشده است را داریم، نباید او را با دزد و قاچاقچی یکی کنیم... ما در کنار برخی قوانین سختگیرانه اسلام، گذشت و عفو و رحمت را هم می‌بینیم. ما نباید همیشه با افراد برخورد کنیم. اساس، اصلاح مجرمان است.

نگاه اسلام به سلول‌های انفرادی چیست؟
نظام ما یک نظام اسلامی است. انقلاب هم برای احیای اسلام و قوانین اسلامی در این مملکت صورت گرفت. هدف ما هم چیزی جز این نیست امروز، حکومت ما یک حکومت اسلامی است و ما باید به قوانین اسلام عمل کنیم. قوه قضاییه باید بداند که زندان برای تادیب است.

اگر چک شخصی – به‌خاطر نداری – برگشت می‌خورد، نباید زندانی شود. شخص مقروض را به خاطر نداری نباید زندانی کرد یا مثلاً اگر فردی توان پرداخت دیه را ندارد نباید زندانی شود، آیه صریح قرآن است که به فرد مقروض مهلت دهید تا توان پرداخت پیدا کند. از مسلمات اسلام است که زندانی کردن شخصی به‌خاطر نداری و بدهی که توان پرداخت آن را ندارد، جایز نیست. همه فقها و از جمله امام در مورد این مساله فتوا داده‌اند. **یعنی در زمان تصدی شما زندان انفرادی نداشتیم؟**

یک بار بی‌خبر به اوین سر زدم و چند تایی سلول انفرادی دیدم که بعدازاعتراض من سلول‌های انفرادی را جمع کردند. بعد از آن هم موضوع را با امام در میان گذاشتم که ایشان هم فرمودند، کار خوبی کردی. توجه داشته باشید که اگر نظام ما اسلامی نبود، هر کاری می‌توانستیم انجام دهیم اما چون ما مقید به اسلام هستیم باید به مَرّ اسلام عمل کنیم. در اسلام از زندان برای اصلاح و تادیب متهم و مجرم استفاده می‌شود. تحت هیچ شرایطی نباید زندان مصداق شکنجه تلقی شود، از آن رو که شکنجه در اسلام، حرام است. ما باید پایبند این مهم باشیم. مردم نیز باید مقید به اسلام باشند و البته بیش از مردم نیز حاکمیت و نظام باید به مَرّ اسلام عمل کند.

در مراجعاتی که نمایندگان شما به زندان‌ها داشتند، خبر از شکنجه نمی‌دادند؟

خیر. کسی گزارش شکنجه به ما نداد. فقط آقای مجید انصاری که نماینده ما بود گفت، مسوول زندان رجایی‌شهر، چشمان ۲۰۰ نفر را می‌بندد تا ساعت‌ها فکر کنند. ما مسوول زندان را خواستیم و سریعاً عزلش کردیم. **شما خودتان به زندان اوین سرزده نمی‌رفتید؟**
من یک‌بار دیگر هم بی‌خبر رفتم و دیدم که محکومیت ۲۰۰ نفر تمام شده و اینها را نگه داشته‌اند. به ایشان گفتم که اگر این ۲۰۰ نفر را تا فردا آزاد نکنید، دستور می‌دهم تا دستگیرتان کنند. آقای موسوی‌اردبیلی به من گفتند این چه برخورد تندی است که با ایشان می‌کنید؟ من هم گفتم معنا ندارد افرادی که محکومیت‌شان به پایان رسیده است را در زندان نگه داریم. انجام نداد؛ عزلش می‌کنیم. این شد که آنان را آزاد کردند. بعد از آن هم آقای لاجوردی ماندند تا اینکه به این نتیجه رسیدیم که ایشان باید برون.

چرا شورایعالی قضایی، زودتر ایشان را عزل نکرد؟

ببینید شما الان با خیال آسوده در اینجا نشستید و نمی‌توانید آن روزها را به‌خوبی درک کنید. آن زمان منافقین افراد را مثل برگ خزان ترور می‌کردند. بعضا ترور کور انجام می‌دادند؛ یعنی، نه شخص خاص بلکه کافی بود طرف حزب‌اللهی باشد تا ترورش کنند. مردم عادی را ترور می‌کردند. کاسبی که ریش داشت و عکس امام را پشت شیشه مغازه‌اش نصب کرده بود را ترور می‌کردند. در مراکز عمومی بمب‌گذاری می‌کردند؛ بیش از ۱۰هزار غیرنظامی را ترور کردند و به شهادت رساندند. اصلاً معرکه‌ای به پا بود و منافقین وضعیت عجیبی درست کرده بودند. منافقین به‌عنوان جینتیکار شناخته می‌شدند و واقعا هم خیلی جنایت کردند.

آن زمان در دستگاه قضا تعداد استعفاها و آمدوشده‌ها هم بسیار بود.

در یک دوره‌ای آقای ربانی‌املشی دادستان کل بود که به همراه عده‌ای دیگر استعفا دادند و امام هم استعفا آنها را پذیرفت.

پس کنار گذاشته نشدند بلکه خودشان استعفا دادند.

بله. بعد از ایشان هم آیت‌الله صانعی دادستان کل شدند. آقای جوادی‌آملی هم رفت. آقای موسوی‌اردبیلی هم رییس دیوانعالی کشور بود. من و آقای مقتدایی و آقای سیدابوالفضل میرمحمدی هم شورایعالی قضایی را تشکیل می‌دادیم.

علت استغفای آقای موسوی تبریزی چه بود؟
تداخل بین کار دادستان کل و دادستان انقلاب. نمی‌توانستیم دو تا دادستان کل داشته باشیم. به هر حال دادگاه انقلاب هم جزیی از دادگستری به شمار می‌رفت. هم در زمان آقای ربانی و هم در زمان آقای صانعی تداخل میان دادستانی کل و دادستانی انقلاب، مشکلاتی را به وجود می‌آورد. این شد که ما از آقای موسوی‌تبریزی خواستیم که استعفا دهند و ایشان هم پذیرفتند. به هر حال همه مشغول کار خود بودند تا اینکه امام رحلت کردند و ما هم بعد از یک ماه خودمان استعفا دادیم و آیت‌الله‌خامنه‌ای هم آقای یزدی را تعیین کرد. ما هم رفتیم آن کار اصلی خودمان که درس و بحث بود را ادامه دادیم.

چندی پیش آقای ناطق‌نوری، در گفت‌وگویی گفته بودند که امام مخالف برگزاری مراسم برای دکتر شریعتی بودند، آیا این موضوع صحت دارد و شما آن را تایید می‌فرمایید؟

آیت الله موسوی بجنوردی و دادگاه‌های انقلاب

خیر. چون امام اصلا در این‌جور مسایل ورود نمی‌کردند. دکتر شریعتی که فوت کردند من و حاج آقا مصطفی عازم عمره بودیم، پس از آن ما به همراه حاج احمد آقا رفتیم بیروت خدمت امام موسی‌صدر، بعد از آن نیز به اتفاق حاج احمدآقا و آقا مصطفی به سوریه رفتیم. در آنجا به ما گفتند در مراسم چهلم دکتر شریعتی شرکت کنید و چون سه روز تا چهلم مانده بود و حاج آقا مصطفی باید به نجف می‌رفتند، من و ایشان برگشتیم عراق و حاج احمدآقا در سوریه ماندند و بنا شد که در مراسم چهلم دکتر شریعتی هم شرکت کنند. **بنابراین شما می‌فرمایید به‌رغم اطلاعات ارایه‌شده از سوی آقای ناطق‌نوری، امام نظر مخالف پیرامون برگزاری مراسم برای دکتر شریعتی نداشتند؟**

خیر. ببینید، بی‌دینی در دانشگاه مد بود، دو نفر خدمت بزرگی انجام دادند و دینداری را در دانشگاه مد کردند؛ یکی مهندس بازرگان بود و یکی هم دکتر شریعتی. این دو، دینداری را در دانشگاه مد کردند، در حالی که پیش از آن بی‌دینی مد بود و خود این کار، بزرگ‌ترین خدمت است.

دکتر محمد جواد صاحبی:

آیت‌الله آصفی تاریخ نیم قرن مبارزه مردم عراق علیه رژیم صدام است

محمدجواد صاحبی دبیر کنگره بررسی شخصیت آیت‌الله آصفی در نشست خبری که در دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه‌قم برگزار شد، با بیان این‌که برگزاری کنگره آیت‌الله آصفی به همت دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه‌قم برگزار می‌شود، گفت: شخصیت علمی واخلاقی آیت‌الله آصفی برای محققان و دانشمندان بارز است.

وی با اشاره به این‌که آیت‌الله آصفی حوزه‌های علمیه نجف و قم را تجربه کرده است، ابراز کرد: هرچند آیت‌الله آصفی در نجف به دنیا آمده اما اصالتاً بروجردی است. دبیر کنگره بررسی شخصیت آیت‌الله آصفی، محمدرضا مظفر، مرحوم بادکوبه‌ای، مرحوم لنگرانی، مرحوم علی، مرحوم حکیم و حضرات آیات خویی و امام خمینی(ره) را از اساتید آیت‌الله آصفی برشمرد. دکتر صاحبی با بیان این‌که آیت‌الله آصفی در عرصه تدریس، پژوهش و تبلیغ کارنامه پرباری دارد، افزود: کارنامه درخشان و بارز این عالم بزرگ سبب شده که از معاصران خود ممتاز باشد.

وی با بیان این‌که آیت‌الله آصفی ۶۰ سال فعالیت علمی و فرهنگی داشته است، اظهار کرد: تا کنون بیش از ۲۰۰ اثر مکتوب از وی به یادگار مانده است. دبیر کنگره بررسی شخصیت آیت‌الله آصفی با اشاره به این‌که آیت‌الله آصفی از قدیمی ترین افرادی است که در عرصه مطبوعات فعالیت داشته است، ابراز کرد: آیت‌الله آصفی مقالات فراوانی نوشته که در نشریه مکتب اسلام چاپ شده و قابل استفاده است.

آقای صاحبی با بیان این‌که آثار این عالم ربانی تأییدات علما را به دنبال داشته است، گفت: این مسأله نشان دهنده فعالیت‌های گسترده علمی آیت‌الله آصفی و توجه علما به وی بوده است.

وی ادامه داد: آیت‌الله آصفی حدود پنجاه سال پیش کتاب‌هایی در عرصه اقتصاد نوشته که این مسأله نشان دهنده اشراف وی به مسائل و اقتضائات روز است. دبیر کنگره بررسی شخصیت آیت‌الله آصفی ادامه داد: برخی از آثار آیت‌الله آصفی در زمینه تفسیر قرآن به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شده است.

صاحبی با اشاره به اقدامات خیرخواهانه آیت‌الله آصفی، بیان کرد: مؤسسه امام باقر(ع) از سوی آیت‌الله آصفی تأسیس شده که ۶ هزار و ۷۰۰ عراقی و افغانی تحت پوشش این مؤسسه قرار دارند.

وی با تأکید بر این‌که آیت‌الله آصفی تاریخ نیم قرن مبارزه مردم عراق علیه ظلم و ستم رژیم صدام است، گفت: آیت‌الله آصفی ۳۰ سال رهبر معنوی حزب الدعوه بوده است.

دبیر کنگره بررسی شخصیت آیت‌الله آصفی افزود: آیت‌الله آصفی در ایران نیز علیه رژیم شاهنشاهی مبارزه می‌کرد و یار و همواره یار و همراه امام خمینی(ره) بود.

خود به نام «الفتاوی الواضحة» که به صورتی نوین و متفاوت از رساله های مراجع دیگر، تدوین یافته تا اندازه ای به این هدف نزدیک شد.

وی هم چنین با نگارش کتاب های «فلسفتنا» و «اقتصادنا»، مکاتب فلسفی مادی و اقتصادی مارکسیزم و کاپیتالیسم را نقد نموده و در این راستا از روشی نو و دلالی استوار بهره جسته است؛ چنان که در زمینه های منطق، تاریخ، تفسیر و مانند این ها گام های مؤثری برداشته و تألیفات ارزشمندی ارائه کرده است که در این جا فرصت معرفی آن ها نیست.

از کارهای شگفت انگیز آیت الله صدر برای بیداری مردم عراق و آماده کردن آنها برای قیام و برگزاری تفسیر موضوعی قرآن بود. آن هم بعد از تعطیل کردن درس خارج فقه!

در حوزه علمیه نجف کمتر دیده شده بود که یک مرجع تقلید تفسیر قرآن بگوید آن هم به جای درس خارج فقه، که این بیشتر مایه تعجب دیگران می شد. به طوری که برخی از شاگردان او، در این باره از وی سوال کردند او جواب داد:

«برای من تدریس و تألیف و تحقیق، صورت حرفه و هدف در زندگی ندارد، بلکه ادای وظیفه شرعی به هر نحو ممکن برای من از همه چیز مهم تر است. امروز در این برهه از تاریخ اسلام و مسلمین، که انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی پیروز شده و امت اسلام را در سرتاسر دنیا بیدار کرده است، من وظیفه خود می دانم که با تفسیر قرآن، افکار مردم مسلمان عراق را آگاه و آرمان های انقلابی اسلام را مطرح نمایم و با بیان مفاهیم شورآفرین، حماسی و اجتماعی قرآن کریم، دل ها را برای پیوستن به انقلاب اسلامی ایران آماده کنم..... از طرفی، درس خارج فقه و اصول، بیش از حد لازم در حوزه گفته می شود، اما جای تفسیر قرآن سخت خالی است!».

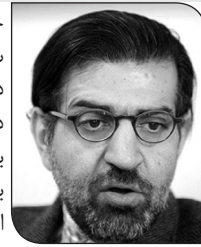
مراجعات شهید صدر بقدری فراوان شد که او در آن هنگام محل مراجعه آحاد امت اسلام شد شهید صدر بی اعتناء به قدرت فاسد حاکم بر عراق به بیداری و تربیت عالمان می پرداخت شهید صدر چنان شخصیتی و از کریزهای سیاسی و با پشتوانه عظیم علمی بدست آورد بود که حضورش بیم و بحران برای رژیم خود کأمه صدام حسین تکریتی ایجاد کرد.

درس تفسیر قرآن جنب و جوشی در میان توده مردم به وجود آورده بود. حکومت صدام از این پدیده خجسته اسلامی، به وحشت افتاد و برای جلوگیری از هر گونه تحرک، در یک حمله همه جانبه همه نمایندگان آیت الله صدر را در تمام شهرهای کشور دستگیر و زندانی کرد. شهید صدر روز ۱۶ رجب ۱۳۹۹ را روز اعتراض و اظهار انزجار از اعمال ظالمانه رژیم اعلام کرد. مردم به اطاعت رهبر و مرجع تقلید خود برخاستند، دست از کارهای خود کشیدند، همان شب آیت الله صدر دستگیر و روانه بغداد شد. در سازمان امنیت بغداد، از او خواستند که دست از پشتیبانی انقلاب اسلامی بردارد و مردم عراق را تحریک نکند. اما شجاعانه جواب داد.

«من یک مسلمانم و در برابر سرنوشت همه مسلمانان جهان (و نه تنها عراق و ایران) مسئولم باید به وظیفه شرعی خود عمل کنم و وظیفه شرعی منحصر به ایران و عراق نیست. حمایت از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن هم، یک وظیفه شرعی است!»

آیت الله شهید صدر مظهر اخلاق و ساده زیستی و دستگیری از فقیران و یتیمان بود او عرفان عملی را با عرفان نظری پیوند داده بود و چنان با مناعت طبع و علو شخصیت توانسته از خوشبختن خویش رهبری بالکوی تمام عیار تبدیل شود ترس صدام حسین از این بود که او امام خمینی عراق خواهد شد و بی توجه به قواعد حاکمیت استبدادی و استکباری گام های روشنگرانه اش به عنوان الگوی استقلال عراق آزاد و آباد عرضه شده بود.

آیت الله سید محمد باقر صدر مغز متفکر شیعه در مبارزه با مکاتب مادی و انحرافی



علامه شهید، آیت الله سید محمد باقر صدر، یکی از بزرگترین اندیشمندان مسلمان و به تعبیر امام خمینی، «مغز متفکر اسلامی» در تاریخ اسلامی به ویژه در قرن چهاردهم هجری است.

سید محمد باقر صدر دومین فرزند خانواده بود. پدرش سید حیدر در جوانی فوت کرد و پدر بزرگش آیت الله العظمی

سید اسماعیل صدر یکی از مراجع بزرگ تقلید شیعه در نیمه اول قرن چهارده بود. دیگر اجدادش که شاخه هایی سرسبز و پر بار از شجره پربرکت «خاندان صدر» بوده اند در سرزمین ایران، لبنان و عراق از پاسداران فرهنگ و اندیشه و دانش و دین بشمار می رفته اند.

خواهرش «آمنه بنت الهدی صدر» نیز یکی از زنان دانشمند، شاعر، نویسنده و معلم فقه و اخلاق بود که در مسیر جهاد و مبارزه، با بردارش سید محمد باقر همگام شد و سرانجام سرنوشت هر دو به شهادت و سعادت ابدی ختم گشت.

به مناسبت سالروز شهادت آیت الله سید محمد باقر صدر و خواهرش بنت الهدی صدر، یادداشتی را که توسط دکتر سید صادق خرازی درباره شهید صدر نوشته شده در ادامه می خوانید.

شهید آیت الله سید محمد باقر صدر از جمله شهیدان نامدار و نادر و از علمداران پر فضیلت مکتب اهل بیت و همچنین از اعظم عالمان برجسته تاریخ روحانیت شیعه است.

حضرتش دارای شخصیت چند بعدی است و ضرورت شناخت ویژگی هایی فکری و درک وفهم از ابعاد وجودی آن الگوی وارسته ایجاب می کند تا فکر بلند و عظمت روح آن فقیه، فیلسوف مفسر و علامه معظم که تا کنون برای عام و عامه نا شناخته مانده است، شناسانده شود.

در جهان علم و دانش مرسوم است تا برای شناخت ابعاد فکری یک عالم بزرگ علاوه بر تبار شناسی، اساتید، شاگردان، مجموعه محصولات علمی وفکری و رسائل و مقالات و کتب منتشره مورد توجه و و تفحص و دقت واقع شود و آنگاه که به کارنامه شهید آیت الله العظمی سید محمد باقر صدر و تبار نامدار و خاندان برجسته و فرهیخته و منتقد در لبنان و عراق سوریه و ایران با پیشینه ایی چند قرن در کسوت فقاقت تشیع این خاندان، علاوه بر این که همه اهل فتوا بوده اند نیز از پیش کسوتان مبارزه علیه استبداد و استعمار در تمامی سرحدات بوده اند و آل صدر و شخصیت های برجسته این خاندان گام ها ی جهادی علیه استعمار و نفوذ انگلستان در لبنان و عراق و حتی ایران برداشته اند و آنچه اینک از افتخارات مقاومت شیعی بیان می شود، موهون تلاش سترگ و نگاه ژرف اعظم خاندان صدر است.

اجداد و دودمان شهید صدر در طول بیش از دو سده در کشورهای لبنان، سوریه و عراق مشعل هدایت انسان ها و مرکز زعامت دینی بودند. آنان در طول این مدت به القابی چون: «آل ابی سبحة، آل حسین القطعی، آل عبدالله، آل ابی الحسن، آل شرف الدین» و در نهایت، «آل صدر» شهرت داشتند. نسبت آل صدر که آخرین سلسله این خاندان است به «سید صدر الدین صدر» (م ۱۲۶۴ ق) بر می گردد.

سید صدر الدین در سال ۱۱۹۳ قمری در روستای معرکه در ناحیه جبل عامل چشم به جهان گشود و در سن ۴ سالگی همراه پدرش سید صالح به نجف عزیمت کرد و سپس به کاظمین و از آن جا به اصفهان رفت و پس از آن دوباره به نجف بازگشت و در همان جا در سال ۱۲۶۴ قمری وفات یافت و در زاویه غربی صحن امام علی (علیه السلام) نزدیک باب سلطانی به خاک سپرده شد. وی در زمره یکی از بزرگ ترین دانشمندان و عالمان برجسته شیعه بود. از آغاز کودکی در فراگیری علوم اسلامی شوق وافر داشت و گفته می شود تعلیقه

خود بر کتاب قطر الندی را در سن هفت سالگی نگاشت و از خود او نقل شده که در سال ۱۲۰۵ ق، یعنی در سن ۱۲ سالگی، در مجلس درس استاد کل، علامه وحید بهبهانی، حضور می یافت و قبل از رسیدن به سن بلوغ به پایه اجتهاد دست یافته و از دست مبارک علامه سید علی طباطبایی صاحب ریاض (م ۱۲۳۱ ق) گواهی اجتهاد دریافت نموده است. (حسینی حائری، ۱۳۷۵، ص ۱۶ و ۱۷)

از شخصیت های دیگر این خاندان، مرحوم سید اسماعیل صدر (۱۳۳۸ ق) است که او نیز مانند پدرش سید صدر الدین، مرجعیت دینی را بر عهده داشت. وی پس از آن که پدرش در سال ۱۲۶۴ ق چشم از جهان فرو بست، تحت حمایت برادرش محمدعلی صدر معروف به آقا مجتهد قرار گرفت تا این که به مراتب رشد و کمال رسید. او که در اصفهان اقامت داشت در سال ۱۲۸۰ هجری، یعنی در سن ۲۲ سالگی، به نجف اشرف هجرت کرد تا در آن جا در محضر استاد اعظم شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۸۰ ق) فقه و اصول را فراگیرد، اما هنگامی که به کربلا رسید شیخ انصاری درگذشته بود. وی از کربلا به نجف رفته و در محضر اساتید دیگر نجف شاگردی نمود تا این که خود در ردیف یکی از بزرگان طراز اول شیعه و جزء دانشمندانی قرار گرفت که علاوه بر تبحر در دروس فقه و اصول و دست یابی به مقام مرجعیت، از دانش های عقلی زمان خود هم چون کلام، فلسفه، ریاضیات، هندسه، هیئت و نجوم قدیم نیز بی بهره نبود. (نعمانی، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ص ۳۲).

در دوران معاصر نیز صدی ها، هم دوش علامه شهیر آیت الله العظمی سید شرف الدین در لبنان و برخی دگردر عراق با بزرگانی چون حضرات آیات خوئی، حکیم و شاهرودی و کثیری دیگر مونس و پشتوانه مرحوم آیت الله شیخ عبد الکریم حائری یزدی موسس حوزه علمیه قم گام بر می داشتند شکوه اصالت و تبار این بزرگمرد تاریخ تشیع همزاد با علم و زهد، ورع و تقوی و جهاد و اجتهاد و ایثار و شهادت است شهید سید محمد باقر صدر بعد از درگذشت پدر دانشمندش، زیر نظر مادر پاکدامن و برادر عالم خویش سید اسماعیل صدر پرورش یافت. از آغاز کودکی نشانه های نبوغ و تیزهوشی و اخلاق پسندیده او موجب می شد که همه به وی توجه کنند و دائما رفتار او را زیر نظر داشته باشند. هم چنان که آموزگاران نیز او را مورد احترام و تقدیر قرار می دادند. و همه می دانستند که او دارای هوشی فوق العاده است. او و بنت الهدی خواهر شهیده اش به بیداری و آگاهی مردم می انیشیدند و یکی از عواملی که زمینه ساز شناسایی بیش تر او نزد مردم شد و آوازه او را از چهار دیوار مدرسه فراتر برد، ایراد سخنرانی ها ادیبانه و حماسی و خواندن اشعاری پر مایه بود که وی در مراسم عزاداری سرور شهیدان امام حسین (علیه السلام) با بیان آهنگین و گفتار روان بدون کم ترین درنگ، کلمات را ادا می کرد، همه را غرق در شگفتی می ساخت.

شهید صدر در مدت حیات علمی خود شاگردان ارزنده ای تربیت نمود که برخی از ایشان از فقهای معاصرند . در واقع استاد شهید دو نسل از دانشمندان برجسته را پرورش داد. نسل اول شماری از دانش پژوهان تیزهوش بودند که از ابتدا در حلقه درسی وی حضور یافتند. نسل دوم را نیز گزیده ای از دانش پژوهان هوشمند و اهل نظر تشکیل می دادند که در اواخر دوره اول خارج اصول به حلقه درس استاد پیوستند و تا آخر دوره دوم خارج اصول ادامه دادند. اما مهم تر از همه باید به نخبگانی از دانش پژوهان دو دوره درسی استاد اشاره کرد که پیوند عاطفی ایشان با شهید گرانقدر به حدی غیرقابل وصف رسیده بود. در میان این دسته از شاگردان او می توان به کسانی چون: شهید سید محمدباقر حکیم، سید نورالدین اشکوری، سید محمود هاشمی، محمدرضا نعمانی، سید کاظم حسینی حائری، سید عبدالغنی اردبیلی، عبدالعزیز حکیم، عزالدین قبانچی، سید حسین صدر، سید محمد

صدر، سید صدر الدین قبانچی، غلامرضا عرفانیان، محمدباقر ایروانی محمد علی تسخیری و بسیاری دیگر اشاره کرد.

شایسته است تا با انسانی آشنا شویم که او دردانه و نایفه اعصار و مغز متفکر شیعه در مضاف و مبارزه با مکاتب مادی و انحرافی قرن نوزدهم و بیستم نیز به حساب می آمد آن کسانی که با مکتب فکری آن شهید سعید فقید آشنایی و آگاهی دارند می دانند که سید محمد باقر صدر شخصیتی ذوالجنبین بود هم فیلسوف و مفسر قرآن بود و هم فقیه کلامی و از صاحب نظران فقه تشیع محسوب می شد مراتب علمی آن بزرگوار بقدری قوی و مستحکم بود که همه مراجع تقلید شیعه در زبان و کلامشان و ارائه ارای فقهی خود به لیل از شخصیت علمی و فکری ایشان می پرداختند.

به هنگامی که اردوگاه مارکسیسم با ارائه اندیشه های فریبنده دامی در جهت اغفال جوانان که مشتاقانه در پی دانستن بودند و جوانان شباب آن روز گار دوران سختی را در مبارزه با امپریالیسم مارکسیسم و مکاتب الحادی تحمل می کردند و به دلیل عدم آگاهی با ایسم های وارداتی از اردوگاه شرق کمونیسم در معرض انحراف و التقاط بودند که یکبار به دو اثر جاویدان فلسفتنا و اقتصادنا شهید صدر در برابر انحراف فریبای کمونیسم واکسینه شدند دو انسان بزرگ و اندیشه ورز و



پر انگیزه شهید مطهری و شهید صدر با شناخت دقیق از مکاتب انحرافی اگزیستانسیلیسم ماتریالیسم کاپتالیسم و نیهیلیسم به کاری بس بزرگ دست یازیدند اسلام عزیز در هر دوره ایی از ادوار خود با قلم و جهاد فکری و درد آشنایی علمداران راستین مکتب توحید توانست مقاومت کند.

شهید صدر پیشتاز جریان نو سازی فکری حوزه های علمیه گشت و این رو آفاق وانفس و اندیشه های ایشان عالم گیر شد و در عنفوان جوانی به عنوان مرجعی جامع الشرائط در عرصه اجتماع شیعی ظهور یافت. هم چنین، نوآوری ها و ابتکارات این شهید در دانش فقه کم تر از نوآوری های وی در علم اصول نیست. از مجموعه بحث های فقهی ایشان، چهار جلد کتاب با نام «بحوث فی شرح العروة الوثقی» به زیور طبع آراسته شده است. در این کتاب ها پژوهش های ارزنده ای به چشم می خورد . آن چه شهید صدر در نظر داشت این بود که در دانش فقه از چند جهت دگرگونی پدید آورد که نسبت به برخی از این آرمان ها در حدی که تدریس نمود یا کتابی نوشت، توفیق یافت.

سعی او بر این بود که در استنباط احکام، ویژگی های فردی و نگرش های محدود را به ویژگی های اجتماعی و نگرش های جهانی تبدیل کند. برای مثال، او می خواست اخبار مربوط به تقیه و جهاد را با دیدگاه های اجتماعی و همگانی مورد استنباط قرار دهد . در واقع او تلاش می نمود دامنه مباحث فقهی به صورتی سازگار و هماهنگ با نیازهای روز و با روشی کارآمد، استوار گردد تا نشان دهد که فقه می تواند همه ابعاد زندگی را زیر پوشش خود بگیرد و همگام با تمام شرایط فردی و اجتماعی پیش رود. شهید صدر با نگارش رساله عملیه

ادامه از صفحه اول

به هر حال نوشته جناب جعفریان صحیح است و تحلیل بنده آن است که آقای میناچی از آغاز، در فکر کنار گذاشتن شهید مطهری بوده در حالی که قوام و ثبات حسینیه ارشاد، به ویژه در بین مراجع و علما و محافل مذهبی، بستگی تام به حضور استاد شهید به عنوان مؤسس حسینیه داشت.

ولی همانطور که استاد شهید در نامه‌های خود به هیأت مدیره حسینیه، در رابطه با علل استعفا و کناره‌گیری می‌نویسد، «از اول» ایشان از هیأت مؤسس کنار گذاشته می‌شود تا میدان برای «ترکتازی» های بعدی آماده باشد.

اگرچه استاد مطهری مؤسس اسمی حسینیه ارشاد نبوده، اما آنچه بسیاری به آن اذعان دارند این است که شخصیت و فعالیت‌های ایشان حسینیه را حسینیه کرد و مرحوم میناچی هم در کتاب «تاریخچه حسینیه ارشاد» می‌گوید «تمامی اختیارات در باب امور تبلیغی و تحقیقاتی به ویژه انتخاب سخنرانان را به شخص استاد واگذار کرده بودیم» (ص ۵۵). با این وجود ایشان گاهی اوقات نسبت به برخی نظرات که استاد مطهری را چهره اصلی و محوری حسینیه معرفی می‌کردند، واکنش منفی نشان می‌داد. بروز چنین واکنش‌ها و حساسیت‌هایی چه علیی داشت؟

آقای میناچی متأسفانه به علت آنکه از قبل «وکیل قانونی امور مالی آقای همایون» بود، خود را صاحب قدرت تامه تصور می‌کرده و به همین دلیل می‌گوید: امور تبلیغی و تحقیقاتی و انتخاب سخنرانان را به شخص استاد واگذار کرده بودیم، ولی باید پرسید نامبرده چه کاره بوده که برای استاد شهید مؤسس واقعی حسینیه سمتی تعیین کند؟ علت اللل واکنش‌های منفی آقای میناچی از آغاز آن بود که زمام امور حسینیه را به طور مطلق در اختیار خود بگیرد و می‌دانیم که نه آقای همایون و نه آقای علی‌آبادی، هیچ کدام در این اموری که هدف تأسیس حسینیه بود، صاحب نظر نبودند و ایشان با «انحصارطلبی» غیر مشروع، استاد شهید را کنار می‌گذارد و حتی در اموری که به شخص استاد واگذار کرده بودند! به ویژه در مسأله سخنرانان، دخالت مستقیم می‌نماید که موجب رنجش استاد شهید می‌گردد و آن را به طور شفاف در نامه‌های خود می‌نویسد... درواقع می‌توان گفت که شهید مطهری به فکر ایجاد یک نهاد علمی - فرهنگی - دینی جدید بود و آقای میناچی به فکر مجالس جنجالی و شعار و تظاهر و جلب افراد بود و خیلی به محتوای کار اهمیت نمی‌داد... نامبرده از اینکه صندلی‌های حسینیه ارشاد پر می‌شود، خوشحال بود و توجهی به شرایط سخنران و محتوای سخنرانی‌های افراد نداشت... و همین نکته باعث رنجش علماء بلاد و مراجع گردید که پایان آن از آغاز برای اهل خرد روشن بود.

یکی از مهم‌ترین و باشکوه‌ترین مراسم حسینیه ارشاد برنامه «بزرگداشت آغاز پانزدهمین قرن هجرت» بود. از این برنامه چه خاطره‌ای دارید و برگزاری آن چه تأثیری در فضای مذهبی و اجتماعی گذاشت؟

خاطره جالبی که من از نتایج مراسم برگزاری جشن‌های پانزدهمین قرن هجرت دارم، تهیه و تنظیم مقالات و نشر کتاب «محمد خاتم پیامبران» توسط استاد شهید بود که حسینیه ارشاد آن را در دو جلد قطور چاپ و منتشر ساخت.

این کتاب از این جهت باید مورد توجه قرار گیرد که در تنظیم و نوشتن مقالات آن، از همه افراد فرهیخته جامعه، با گرایش‌های سیاسی مختلف، استفاده شده بود، یعنی درواقع شهید مطهری به «محتوا» اهمیت می‌داد نه به سوابق و لواحق زندگی سیاسی نویسنده مقالات.

استاد شهید از شادروان دکتر علی شریعتی هم که در آن زمان به عنوان آموزگاری گمنام در مشهد زندگی می‌کرد، مقاله خواسته بود که تحت عنوان «سیمای محمد» در کتاب درج گردید و پس از آن مقالات بود که استاد شهید از نامبرده دعوت کرد که به تهران بیاید و در حسینیه ارشاد تدریس و یا سخنرانی کند.

اختلاف بین استاد مطهری و مرحوم میناچی در خصوص مدیریت حسینیه از کجا آغاز شد و به چه دلیلی شما معتقدید اختلاف بین استاد مطهری و دکتر شریعتی ریشه در اختلاف این اختلاف به گونه‌ای است که مخالفت مرحوم مطهری با تداوم حضور شریعتی عامل اصلی این اختلاف بوده، اما به نظر می‌رسد که نظر استاد مطهری درباره لزوم تعیین هیأت علمی برای حسینیه و ضرورت هم افقی برنامه‌های آن با نظرات مراجع عامل اصلی اختلاف‌ها بوده است. شما چه ارزیابی در این خصوص دارید؟

اشاره کردم که متأسفانه از آغاز کار، عدم صداقت در

حسینیه ارشاد و شهید مطهری

(برای تفصیل مراجعه شود به کتاب: سیری در زندگانی استاد مطهری، انتشارات صدر، چاپ شانزدهم، صص ۷۴ و ۷۵) البته شهید مطهری در نامه‌های دیگر، علل و عوامل دیگری را ذکر می‌کند که نقل همه آنها در این مقال، مقدور نیست.

بعد از جدایی استاد مطهری از حسینیه افراد غیر روحانی چون عباس زریاب خویی، کاظم سامی و اسماعیل رضوانی که در مباحث مذهبی تحصیلات و تخصص نداشتند به سخنرانان حسینیه اضافه شدند. درباره این تغییر چه تحلیلی دارید؟ آیا آن را انحراف از اهداف اولیه حسینیه و در راستای حذف روحانیون از حسینیه می‌دانید یا ارزیابی دیگری دارید؟ دکتر شریعتی در این تغییر مسیر چه نقشی داشت؟

پس از کنار رفتن استاد شهید، گروهی از روحانیون سعی کردند حسینیه حفظ شود و در اختیار افرادی که تخصص و تحصیلات حوزوی ندارند قرار نگیرد. اما این تلاش‌ها هم بی‌ثمر ماند و آیت‌الله خامنه‌ای در مصاحبه‌ای می‌گویند که ما با آقای هاشمی و آقای باهنر و دکتر شریعتی، در مشهد نشستیم و طرحی برای جلوگیری از سقوط عملی حسینیه آماده کردیم که نیاز به پاسخ مثبت آقای میناچی داشت و دکتر گفت من این پاسخ مثبت را از ایشان می‌گیرم، ولی وقتی به تهران بازگشت، نه از پاسخ مثبت خبری شد و نه از خود دکتر! سخنرانی بعضی از دوستانی که نام برده‌اید، انحراف از اهداف اصلی حسینیه نبود ولی اغلب آنها برای «پرکردن» برنامه‌ها و جای خالی استاد شهید دعوت می‌شدند و بی‌تردید دکتر شریعتی در این امور شرکت و دخالت نداشت و البته می‌دانیم که در آن دوران، حسینیه «قائم به فرد» شده بود و اگر دکتر شریعتی، به هر دلیلی نمی‌توانست در حسینیه حضور یابد و سخنرانی کند، در عمل حسینیه تعطیل می‌شد و این ناشی از کنار گذاشته شدن شهید مطهری بود که در زمان وی، با همکاری دکتر شریعتی، حسینیه به یک جریان تبدیل شده و شکوفا بود. اما بعد؟...

و اصولاً باید گفت - و پذیرفت - که حسینیه ارشاد پس از کنار رفتن شهید مطهری و سپس دکتر شریعتی، به یک «ساختمان» بی‌روح، جایگزین یک «جریان پرخروش» تبدیل شد و هیچ گاه دیگر نتوانست ارزش و اعتبار خود را باز یابد و به عنوان یک ساختمان، باقی ماند! که البته حفظ ساختمان خود قابل تقدیر بود و افزودن کتابخانه‌ای ارزشمند بر آن هم، از خدمات مفید دوستان باقیمانده در ساختمان حسینیه بود.

آیا اختلاف بین استاد مطهری و دکتر شریعتی را می‌توان نقطه شروع اختلاف و شکاف روشنفکران دینی غیر حوزوی با نواندیشان حوزوی دانست؟

این اختلاف در تشدید شکاف بین روشنفکران مسلمان غیر حوزوی و فضایی حوزه‌ها نقش اساسی داشت، چون هواداری آنها از حسینیه ارشاد با توجه به نقش استاد شهید در آن موسسه بود. وقتی این نقش منتفی شد، به طور طبیعی جدایی و شکافی که به نحوی وجود داشت، بیشتر گردید و حتی به «تکفیر» یا حداقل «تفسیق» از هر دو طرف منتهی شد و این یک ضایعه اسفناک بود.

درباره فعالیت‌ها و برنامه‌های پس از انقلاب حسینیه چه تحلیل و ارزیابی دارید و آیا می‌توان گفت که حسینیه تبدیل به پایگاهی برای نیروهای ملی - مذهبی و نهضت آزادی شده است؟

حسینیه ارشاد هیچ وقت پایگاهی برای نهضت آزادی و یا نیروهای ملی - مذهبی نگردید و تشکیل چند مجلس ترجیم و یا برگزاری برنامه‌های بی‌روح مذهبی، توسط افراد را نمی‌توان به «پایگاه» شدن تعبیر کرد، به ویژه که مدیریت حسینیه ارشاد - یعنی آقای میناچی - اصولاً با نهضت آزادی روابط خوبی نداشت و با آن همکاری نمی‌کرد و به دلایلی، از جمله اختلاف با آقای دکتر ابراهیم یزدی، دبیر کل نهضت آزادی، از آن سازمان دور بود و خود را همیشه کنار می‌کشید...

تضادی با استاد شهید داشته باشد، البته در پاره‌ای از مسائل با هم اختلاف نظر داشتند که این نیز یک امر طبیعی است و باعث تضارب! نمی‌شود. پس یک عامل دیگر در این وسط صحنه گردان شد تا بین این دو را به هم بزند و خود به نتیجه مطلوب! برسد.

اینکه استاد شهید خواستار تشکیل هیأت علمی و مراعات نظرات مراجع و علمای بلاد بود یک نکته مثبت و پسندیده‌ای است و دکتر شریعتی هم با آن مخالفتی نداشت، چون اصلاً او در امور مالی، اداری و تنظیم برنامه‌های حسینیه دخالتی نمی‌کرد. ولی متأسفانه انحصارطلبی باعث گردید که اختلافات در بین اعضای حسینیه ارشاد و علما و روشنفکران مسلمان به وجود آید که نتیجه نهایی آن کنار رفتن استاد شهید بود و این البته مورد خواست قلبی بعضی از عناصر فرصت طلب نیز بود. آقای پرویز خورشید که خود در حسینیه ارشاد، به دعوت استاد شهید همکاری فرهنگی داشت و به طور طبیعی در متن حوادث قرار می‌گرفت، نقل می‌کرد که روزی آقای میناچی در حضور من به شهید مطهری گفت: هیأت مدیره (!!) تصویب کرده‌اند که شما تشریف نیاورید! و به



سخنرانی شهید مطهری در حسینیه ارشاد

نظر من این اوج مرحله بی‌اخلاقی بود که مسئول علمی - دینی یک مؤسسه‌ای که خود سهم عمده در پیدایش آن داشت با این لحن، با آن روبه‌رو می‌گردد. گله‌ها و دردلهای استاد شهید در نامه‌های بازمانده از ایشان آمده است و کسانی که بخوانند حقیقت ماجرا را بدانند، حتماً آنها را در کتاب «سیری در زندگی استاد مطهری» مطالعه کنند.

خود شهید مطهری علت کناره‌گیری استعفا خود را به طور مکتوب بیان نداشته است؟

چرا، اتفاقاً ایشان در چند نامه، علل اتخاذ این تصمیم را بیان می‌دارد و عوارض وضع حاکم بر حسینیه را شرح می‌دهد که بعدها صحت نظریه ایشان به اثبات رسید. مثلاً ایشان در نامه مورخ ۴۷/۱۰/۲۷، خطاب به مرحوم محمد همایون، رئیس هیأت مدیره حسینیه ارشاد، با صراحت تام می‌نویسد: «... برای بنده تردیدی باقی نمانده است که روش خودسرانه و تصمیمات فردی آقای ناصر میناچی این مؤسسه را به سقوط قطعی خواهد کشاند و امیدهایی که در نسل جوان به وسیله این مؤسسه به وجود آمده است را تبدیل به نوعی سرخوردگی و بلکه بدبینی به هر مؤسسه دینی خواهد کرد. شک ندارم هدف شخص مزبور با هدف‌های پیش‌بینی شده در اساسنامه مؤسس نیکوکار مؤسسه و سایر نیکوکارانی که به نحوی افتخار خدمت در آن مؤسسه را دارند، کمال مابینت را دارد. مخالفت‌ها و کارشکنی‌های معزیه‌ای به هر گونه تقسیم مسئولیت و نظم داخلی و یا هر اقدام مفید و عمیق در سطح احتیاجات طبقات تحصیلکرده و تمایل شدید او به اینکه مؤسسه را به صورت یک مؤسسه جنجالی و توخالی درآورد، دلیل روشنی بر این مدعاست و چون این بیماری را علاج نپذیر می‌دانم، یگانه خدمتی که به هدف این مؤسسه می‌توانم کنم این است که از همگامی و همکاری با معزیه‌ایه برای همیشه خودداری و آن را اعلام کنم، در عین حال امیدوارم باطن اسلام و حسن نیت همکاران نیکوکار آن بر اندیشه‌های اهریمنی فایق آید و خداوند این مؤسسه را با عنایت خاص خود از گزندهای شیطانی محفوظ بدارد.»

بعضی افراد دیده می‌شد... چطور یک شخصیت برجسته روحانی و علمی چون استاد شهید مرتضی مطهری از عضویت در هیأت مؤسس حذف می‌شود و شخص دیگری جایگزین می‌گردد؟ متأسفانه ما شاهد بودیم که این روش استمرار یافت و حتی در اموری که به اصطلاح به ایشان واگذار شده بود، دخالت نمودند و با اقداماتی که در شان شهید مطهری نبود، حسینیه ارشاد را تبدیل به ابزاری «در اختیار» کردند. شهید مطهری همانطور که اشاره کردم خود دکتر شریعتی را برای همکاری در حسینیه ارشاد دعوت کرد و او از مشهد به تهران آمد و تا آن وقت آقای میناچی اصلاً ملاقاتی با دکتر نداشت و او را نمی‌شناخت ولی وقتی آمد و سخنرانی‌های نوعاً ارزشمند خود را در حسینیه ایراد نمود و با استقبال عموم به ویژه نسل جوان روبه‌رو گردید، نامبرده حسینیه را بی‌نیاز از مطهری تصور نمود، در حالی که استاد شهید با توجه به موقعیت علمی، حوزوی، دانشگاهی و روحانی که داشت، مورد قبول عموم بود و به طور طبیعی ایشان نمی‌توانست با اموری که مورد قبول مراجع تقلید قم و علمای عظام نبود، موافقت کند و همین نکته باعث شده بود که آقای میناچی استاد شهید را مانع راه خود بداند و در فکر «حذف» رسمی ایشان باشد.

البته استاد شهید در همه مسائل با شادروان دکتر شریعتی هماهنگ نبود و از لحاظ «علمی» انتقادهایی بر بخشی از آثار ایشان داشت، ولی این نوع بحث علمی - و به اصطلاح ما: طلبگی - مانع از همکاری بین این دو بزرگوار نبود و اصولاً دکتر شریعتی، آنطور که من شاهد آن بودم - چه در تهران و چه در دو سفر یک ماهه حج که در کنار آنها بودم - احترام زیادی برای استاد شهید قائل بود و از لحاظ علمی هم او را قبول داشت و حتی یک روز در «مدینه منوره» پس از بازدید از «دانشگاه اسلامی مدینه» به من گفت: «آقای مطهری در هیچ زمینه‌ای، قابل قیاس با دیگر علمای محترم نیست و به نظر من در هر رشته‌ای بر آنها برتری و تفوق دارد.» بنابراین، دکتر شریعتی نمی‌توانست از لحاظ شخصی،

شریعتی از مشهد به تهران می آید و حسینیه ارشاد، رونق می گیرد؟ متأسفانه این تحلیل ناشیانه با حقیقت وفق نمی کند. وجود مراکز و کانون های مذهبی در بعضی از شهرها، ربطی به پیدایش حسینیه ارشاد نداشت، بلکه این مؤسسه، محصول تکامل فکری و تجربی استاد شهید مرتضی مطهری بود و استاد محمدتقی شریعتی و بعد دکتر علی شریعتی هم به دعوت استاد شهید برای همکاری به حسینیه آمدند و در آن زمان آیت الله زنجانی اصولاً نقشی به طور مطلق در حسینیه ارشاد نداشت و آیت الله طالقانی هم در زندان شاه، دوران محکومیت ده ساله خود را سپری می-کرد! و البته آنچه در این تحلیل غیرمنطقی مطرح نشده، نقش استاد شهید مطهری است که ما در اینجا به این اشاره بسنده می کنیم، به امید آنکه هواداران واقعی «حق» حق را بگویند ولو آنکه به ضرر خودشان باشد که پیشوای معصوم فرمود: قل الحق ولو کان علیک!

درباره «کف» زدن برای شادی روح میناچی، که توسط آقای احسان شریعتی، پس از سخنرانی پیشنهاد شد، چه نظری دارید؟
این اقدام توجیه عقلانی ندارد و باید آن را نوعی «لیبرال گرائی کودکانه» و مشابه اقدام آن «عربی» در «چاه زمزم» نامید...

نقل از مجله مهرنامه ۳۴

گامی میلیمتری به سوی «آشتی ملی»

آقای نجفی پرسید: این پارچه پاک است یا نه؟ گفتند پاک است. گفت: صدتایش را بزند، چه عیبی دارد؟ * * *

نگارنده این سطور نیز در مورد کراوات خاطره ای دارد مشابه نقل آقای دادخواه از آقای نجفی اصفهانی و آن خاطره ای است که مرحوم دکتر محمود بروجردی داماد امام خمینی برای حقیر نقل کرد: او که از خانواده های روحانی قم و جوانی خوش پوش بوده، هم ریش می تراشیده و هم کراوات میزد است. وقتی می خواسته به خواستگاری دختر امام خمینی برود، در حال تردید بوده که آیا حاج آقا روح الله با ازدواج دخترش با یک جوان ریش تراشیده کراواتی موافقت می کند یا نه؟ مرحوم بروجردی می گفت: من اهل تظاهر و ریا نبودم و نمی خواستم شکل عوض کنم. با همان ریش تراشیده و کراوات برای خواستگاری به منزل حاج آقا رفته، حاج آقا که احساس کرد من از نظر پوشش و ژست با ریش تراشیده و کراوات، شک دارم که ایشان با ازدواج من با دخترشان موافقت کنند گفتند: آقا محمود! من به لباس پوشیدن شما کاری ندارم ولی مراقب نمازت ان باشید... * * *

... و من در یکی از یادداشت های روزنامه اطلاعات که از این خاطره یاد کردم، از دو نفر دیگر یاد کردم که تا آخر، مقید بودند کراوات بزنند مرحوم ایرج افشار که به رحمت خدا رفته، و دیگری مهندس علی اکبر معین فر وزیر نفت دولت موقت مرحوم مهندس بازرگان که عمرش دراز باد... * * *

در پایان لازم می دانم انگیزه «اخلاقی» خود را برای نوشتن این یادداشت به عرض خوانندگان ارجمند برسانم و آن این است که جناب دکتر محمدعلی دادخواه مرا مورد لطف و مرحمت قرار دادند و پس از تلفن دو اثر پژوهشی خودشان را برای من و آقای دعایی مرحمت فرمودند. یکی «نوروز و فلسفه هفت سین» و دیگری «کراوات پوشینه ایرانی» و من برای ادای سپاس و قدرشناسی از پژوهش گرنامه ای ایشان به این نگارش مبادرت ورزیدم تا به قول خودم یک گام میلیمتری در راه آرمان «آشتی ملی» برداشته باشم چرا که به پندار من تنها راه حل مشکلات ۳۵ ساله انقلاب «آشتی ملی» است... * * *

پی نویسی

۱- دکتر دادخواه خود را «حقوق بان» نامیده است.

بعید به نظر می رسد.

به هر حال آقای دکتر نصر با توجه به ارتباطاتی که در آن دوران با مقامات لشکری و کشوری و غیره داشت، اگر اطلاعات خاصی در این زمینه به دست آورده باشد، بسیار منطقی خواهد بود که چگونگی آن را با اسناد و مدارک برای روشن شدن حقایق تاریخ معاصر ارائه نمایند.

در اینجا بی مناسبت نیست اشاره شود که پس از اشغال سفارت آمریکا در تهران و کشف و ضبط اسناد مربوطه و اتهام ارتباط بعضی از رجال با سفارت آمریکا، این اتهام دامن آقای میناچی را هم گرفت و ایشان هم مانند آقای امیر انتظام به علت تماس های تلفنی یا حضوری با مأمورین سفارت در دوران قبل و بعد از انقلاب، متهم به «جاسوسی» شد و مانند امیر انتظام بازداشت گردید، ولی پس از اعتراضات مسئولین آزاد شد و گفت که علیه ناشران اسناد، اعلام جرم خواهد کرد، چون ارتباط او با سفارت ها و نهادهای بین المللی در راستای اهداف «جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر» بوده و جنبه جاسوسی نداشته است، ولی سرانجام معلوم نشد که نامبرده «اعلام جرم» کرد یا نه و اگر اقدامی کرد چرا نتیجه آن را اعلام نکرد؟ و اصولاً چرا به پرونده مربوطه مانند پرونده آقای امیر انتظام رسیدگی نشد و حکمی له یا علیه نامبرده صادر نگردید تا چگونگی مسأله این اتهام برای آیندگان روشن گردد؟

ولی نکته ای که عجیب است، تماس نامبرده با رایزن سیاسی سفارت، از قم و ارائه گزارش مربوطه است؟ این نکته را من اوایل امسال (۱۳۹۲) که مأمور امنیتی معروف ساواک - پرویز ثابتی - در خاطرات خود نقل کرده، خواندم. او می نویسد: «... ما گزارش تماس ها و ملاقات های مخالفین با مقامات آمریکایی را به شاه می دادیم. مثلاً اینکه روزی ناصر میناچی مقدم در قم با شریعتمداری ملاقات کرده و از منزل شریعتمداری با رایزن سیاسی سفارت آمریکا تماس گرفته و گزارش مذاکرات را به او داده بود را به شاه گزارش کردیم و شاه این گونه تماس ها را نشانه حمایت آمریکایی ها از مخالفین می دانست.»

(کتاب: «در دامگه حادثه» خاطرات پرویز ثابتی ص ۴۸۱، چاپ آمریکا)

من البته به رغم نداشتن روابط حسنه! با آقای میناچی برای روشن شدن مسأله کپی این نوشتار را برای ایشان فرستادم و سپس تلفنی هم گفتم که شرحی برای روشن شدن تاریخ بنویسد و او در پاسخ گفت: «اقدام خواهم کرد.» و بعد اطلاع ندارم که چه نوع اقدامی به عمل آورد. اصولاً بنده با توجه به حکم قرآن «ان جانکم فاسق بنیاء فتبینوا» معتقدم اگر خبر یا گزارشی از فاسقی رسید، باید تحقیق و تبیین کنیم وگرنه در مورد قوم یا افراد از سوی ناآگاهی دچار خدشه می شویم و بعد از آن پشیمان می گردیم، در این قبیل امور، نمی توانم داوری کنم، چون اغلب یا همه این گزارشگران، چه داخلی و چه خارجی، بی تردید فاسق بودند و نمی توان و نباید گزارش های آنها را، بدون تحقیق قبول کرد و در همین راستا بود که شهید بهشتی پس از نشر اسناد لانه جاسوسی در مورد افراد، اعلام داشت که به افراد متهم باید به همان میزان، وقت داده شود تا بتوانند در رسانه ها، از خود دفاع کنند که البته با توجه به شرایط حاد انقلاب به این توصیه شرعی و قانونی هم عمل نشد!

در قرآن مجید آیه دیگری در همین رابطه هست که به ما هشدار می دهد هر چیزی را که به آن علم نداریم، نپذیریم و بدانیم که چشم و گوش و قلب ما هم مورد بازخواست قرار خواهند گرفت: «ولا تقف ما لیس لک به علم ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا» پس داوری در این قبیل امور، بدون حکم یک قاضی عادل در یک دادگاه صالح، جایز نیست ولی متأسفانه در بعضی موارد ما شاهد بودیم که به جای مقامات قضایی و یا حتی برخلاف حکم دادگاه، بعضی از افراد بظاهر رسمی که باید بیشتر از دیگران مسئولیت پذیر باشند و احتیاط کنند، افرادی را متهم به «جاسوسی» کردند که این امر نشان دهنده اوج بی تقوایی و نزول اخلاق به پایین ترین مرحله ممکن بود.

این دیدگاه کلی اینجانب در رابطه با این قبیل اتهامات درباره همه افراد در هر عصر و زمانی مسئول است و مطابق موازین، بدون شهادت «شهود عادل» در یک «محکمه شرعی» و قضاوت «قاضی عادل»

آقای میناچی با آقای دکتر یزدی چه اختلافی داشت؟

در این باره نقل جملاتی از خاطرات خود آقای دکتر یزدی که اخیراً تحت عنوان «شصت سال صبوری و شکوری» در آمریکا چاپ شده است، روشنگر خواهد بود. دکتر یزدی می نویسد: «در شهر واشنگتن دی سی هسته مرکزی ایرانیان اسلام گرا، آقای بهرام ناهیدیان که فرش فروش بود، منزلی را خرید که مرکز فعالیت های اسلامی شد ولی ۴۵ هزار دلار بدهی داشت که بعد توسط آقای میناچی پرداخت شد و «خانه اسلام» نام گرفت و به مؤسسه انتقال یافت. پس از انحلال مؤسسه و فروش خانه اسلام آقای ناهیدیان مبلغی را که پرداخته بود مطالبه کرد تا برای خرید مسجد یا مرکزی در جای دیگر صرف کند، چون مؤسسه ایشان رسمی و به ثبت رسیده بود، امکان پرداخت وجه پرداختی ایشان، به عنوان یک مؤسسه فراهم بود و اقدام شد... بعد از ۱۷ سال که تعارضات سیاسی پیش آمد، آقای میناچی خواستار تمام پول فروش «خانه اسلام» شد که برای خرید خانه یکی از فرزنداننش هزینه شود ولی طبق قانون رسمی فیلینگ نمی توانست پولی را به حساب شخص و فرد واریز کنند... و از سوی دیگر ایشان وقتی با آقای مهندس بازرگان به پاریس آمد، مبلغ ده هزار دلار برای چاپ مصاحبه امام در روزنامه «لس آنجلس تایمز» کمک کرد و بقیه هزینه را دوستان دانشجو تأمین کردند و مصاحبه در آن روزنامه به چاپ رسید... آقای میناچی باز پس از ۱۷ سال باز ادعا کرد که آن کمک برای مبارزه با شاه بوده و وقتی شاه رفت آن پول باید به ایشان مسترد گردد؟ این رفتارهای غیر معقول را هیچ کس از ایشان انتظار نداشت.» (برای تفصیل مراجعه شود به خاطرات آقای دکتر یزدی، جلد دوم، صفحات ۱۳۰ و ۱۳۱)

بدین ترتیب بخشی از علت اختلاف نامبرده با نهضت آزادی روشن می گردد.

سید حسین نصر در گفت و گویی با مرکز تاریخ شفاهی می گوید مؤسسان حسینیه (منظورش میناچی و همایون است) با ساواک در ارتباط بودند و ساواک به حسینیه کمک مالی می کرد. شما درباره این ادعا چه نظری دارید؟ نکته دیگر این است که اگر این افراد با ساواک همکاری داشتند چرا فعالیت های حسینیه از آبان ۵۱ با فشار ساواک تعطیل شد؟

اینکه آقای میناچی و آقای همایون با ساواک در ارتباط بودند و حتی ساواک به حسینیه کمک می کرده مطلب قابل قبولی نیست. البته من از خفایای امور آگاهی ندارم ولی این نوع ارتباطات را در صورت صحت نباید به عنوان «همکاری» و ادای «مأموریت» تلقی کرد. چون نه آقای همایون و نه آقای میناچی، دنبال پول و یا پستی در رژیم سابق نبودند که در این راستا روابط ویژه ای با ساواک برقرار کنند.

کمک مالی ساواک به حسینیه هم بسیار بعید به نظر می رسد، چون حسینیه از لحاظ مالی نیازی به کمک دولت وقت نداشت و معلوم نیست که مقصود آقای دکتر نصر از «کمک ساواک» چیست؟ اگر منظور از کمک، اجازه دادن به ادامه فعالیت حسینیه ارشاد باشد، بلی تا مدت ها این «کمک» ادامه داشت، ولی وقتی ساواک احساس خطر کرد، در حسینیه را بست.

اما نکته ای که می توان آن را پذیرفت این است که این دوستان به علت موقعیت خاصی که داشتند، به طور حتم مورد توجه ساواک بودند و شاید هم سرپرستان بخش هایی از ساواک، با این آقایان تماس هایی داشته اند تا به اصطلاح اشراف لازم را بر امور داشته باشند. مثلاً ساواک در گزارشی از هزینه شدن هشت میلیون تومان برای ساختمان حسینیه سخن می گوید و بی-تردید به دنبال این می رود که ببیند این پول ها - که در آن زمان خیلی زیاد بود - از کجا می-آید؟... و شاید در همین رابطه باشد که ما امروز در اسناد موجود ساواک درباره حسینیه ارشاد می بینیم که تقریباً اسامی همه کسانی که به حسینیه کمک کرده اند، موجود است و بی شک دسترسی به نام های این افراد، بدون همکاری مسئولی از داخل حسینیه ارشاد مقدور نیست، ولی این امر، به نظر من برای رفع نگرانی ساواک تحقق یافته و ربطی به مسائل «هم کاری»! و «مأمور بودن» ندارد که خیلی

حجت الاسلام والمسلمین زمانی در همایش طلاب و روحانیون عمره گذار سال ۹۳،هدف عمده از سفر عمره را ایجاد تحول روحی، معرفی مکتب اهل بیت(ع) و معرفی اسلامیت نظام جمهوری اسلامی عنوان کرد و اظهار داشت: فلسفه اصلی حج ایجاد تحول روحی است، چرا که تمام احکام بر اساس مقاصدی می باشد که خداوند برای ایجاد تحول در انسان تعیین کرده است.

وی تصریح کرد: مناسک حج و عمره اردوی خودسازی، پالایش کننده تمام ناخالصی های انسان و تحقق بخش همه فضایل اخلاقی در افراد است و حجتی مورد قبول است که تاثیرگذاری در انسان داشته باشد.

معاون امور بین الملل حوزه های علمیه با تاکید بر این که اگر خودسازی و خودشکستگی در انسان شکل نگیرد و اندک غروری مقبولیت حج را پس از بازگشت تحت تاثیر قرار می دهد، ابراز داشت: بیشترین توجه در سفر به عمره را به اثرات روحی و حالات معنوی داشته باشید.

حجت الاسلام والمسلمین زمانی با بیان این که ده ها کتاب در خصوص اسرار مناسک عمره و حج تالیف شده است، ابراز داشت: سازمان حج ده ها کتاب و نرم افزار را در این زمینه تولید کرده است و طلاب باید این مسائل را مورد نظر قرار دهند.

وی با تاکید بر اینکه نباید دغدغه های فقهی انجام مراسم حج و عمره را در اذهان داشته باشیم، گفت: در سفر عمره از برخی وسواس ها باید پرهیز کرد و بیشتر به ارتقای معنوی حالات روحی پرداخته شود.

معاون بین الملل حوزه های علمیه با بیان این که حج و عمره شکوهمندترین و بزرگ ترین همایش ادیان در

یکی از مباحثی که چند سالی است به آن پرداخته می‌شود و تاکنون اقدامات خوبی نیز در مورد آن انجام شده، ترویج سبک زندگی اسلامی – ایرانی است؛ امر مهمی که با توجه به فرهنگ غنی ایرانی و تعالیم گسترده و دقیق اسلامی، شایسته بود که از نخستین سال‌های انقلاب به آن بهای بیشتری داده می‌شد. چرا که با مراجعه به کتب و نرم‌افزارهای موجود، متأسفانه مشاهده می‌شود که متون آماده‌شده و کارهای انجام‌گرفته هنوز در مقابل حجم گسترده‌ای از اطلاعات ترجمه شده غربیها که در اختیار خانواده‌ها قرار گرفته، ناچیز است.

با این حال و علی‌رغم تأخیر در این مهم، با پیشرفت وسایل ارتباط جمعی، استفاده از فضای مجازی ،نشریات خانوادگی و رسانه ملی می‌توان با انتشار کتاب و تولید نرم‌افزار و ساخت فیلم و سریال‌های مختلف با استفاده از منابع معتبر دینی و بومی تا حدی این عقب افتادگی را جبران کرد. هم‌چنین راه اندازی سایت‌های متعدد زیر نظر مراکز معتبری که به جوانب مختلف زندگی بر اساس آموزه‌های دینی اشراف داشته باشند نیز می‌تواند به پیشبرد این مهم کمکی مضاعف بنماید.

تا آن زمان، آنچه در حال حاضر در جامعه ایرانی با آن روبرو هستیم این واقعیت است که تربیت فرزندان و حتی تعریف نوع روابط بین افراد خانواده بر اساس ملاک و معیار غربی، روبه‌روز در حال گسترش بوده و حتی بعضی تبلیغات صدا و سیما نیز به آن دامن می‌زند.

در اینجا از باب نمونه و هشدار به چند مورد از کتب، نرم افزارها و بسته‌های آموزشی که در تیراژ وسیعی منتشر و با تبلیغات گسترده مورد استقبال خانواده‌ها قرار گرفته و به فروش می‌رسد، اشاره می‌کنم:

الف: مدتی است تبلیغ وسیعی در شبکه‌های مختلف تلویزیونی درباره «یک بسته آموزشی برای والدین» پخش می‌شود. این بسته آموزشی شامل نکات و آموزش‌هایی برای تربیت کودکان، از بدو تولد تا پنج سالگی است. پیش رفتن با علم و برنامه خوب است، اما من از باب کنجکاوی به سایت این مؤسسه مراجعه کردم و دیدم که محصولات

طول تاریخ بشریت است، تصریح کرد: با حضور جمعیت میلیونی حاجیان و عمره گذاران باید منافع امت را که یکی از اهداف معرفی مکتب اهل‌بیت(ع) به امت اسلام باشد را مورد توجه قرار دهید.

بارفتار صحیح، معرف مکتب اهل‌بیت(ع)باشیم
حجت الاسلام والمسلمین زمانی با اشاره به اینکه گروه های مذهبی مختلفی در سفر عمره و حج حضور دارند، ابراز داشت: توصیه به مناظره دینی با گروه های مختلف مذهبی نداریم اما در برخوردهای خود باید معرف مکتب اهل‌بیت(ع) باشیم.

وی با بیان اینکه اهل سنت و وهابیان دو جریان متفاوت مذهبی هستند، گفت: نسبت به اهل سنت باید نگاه معتدلانه داشت و اگرچه اختلافات فقهی، تفسیری و اعتقادی داریم؛ اما جنگ و عداوت با این گروه مذهبی نباید داشته باشیم و نفرت بین ما و اهل سنت دلیلی ندارد و همواره باید تلاش کنیم تا نظر اهل تسنن را به شیعه جلب کنیم.

محبت اهل سنت به اهل بیت(ع)،سرمایه عظیمی است

معاون بین الملل حوزه های علمیه با تاکید بر این که اکثریت اهل سنت دارای محبت به اهل بیت(ع) هستند و این مسئله سرمایه بزرگی برای نقش آفرینی فرهنگی دینی است، افزود: برخی از اهل سنت زیارت و توجه به اهل بیت(ع) را بالاتر از زیارت خلفای خود می دانند و افراد معتقد و با صداقت بسیاری دارند.

حجت الاسلام والمسلمین زمانی با بیان اینکه یکی از مهم ترین وظیفه رسالت حوزویان، تبلیغ دینی و فرهنگی برای جذب به شیعه است، گفت: اگر حکیمانه، مهربانه و عالمانه اقدامات تبلیغی داشته باشیم، شاهد موجبات

معاون بین الملل حوزه خبرداد

پشتیبانی شبکه های ماهواره ای شیعی نما از سوی آمریکایی ها

خوبی خواهیم بود.

دو گروه از دشمنان شیعه

وی با اشاره به این که دشمنان شیعه از دو طیف وهابیت و تکفیری های غیر وهابی هستند، گفت: وهابیت به دلیل مسائل فقهی با شیعیان و اهل تسنن مشکل دارند و به عنوان مثال توسل و زیارت را شرک می دانند.

باید وهابیون را با اسلام ناب آشنا کرد

معاون بین الملل حوزه های علمیه با تاکید بر این که روحانیون با افراد موثر وهابی گفت و گو داشته باشند تا کینه ها و خصومت های آنان نسبت به مسلمانان کاهش یابد، ابراز داشت: آن ها اطلاعات اشتباه بسیاری دارند و فکر می کنند ما قرآن متفاوتی داریم و شرک پرست هستیم و به همین دلیل می توان با آگاهی بخشی با آن ها گفت وگو کرد، اگرچه این جریان بسیار خطرناک است و به هیچ عنوان نباید در سفر عمره وارد مناظره و بحث با وهابیت شد، چرا که آن ها با نیت بازداشت و درگیری مناظره می کنند.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین زمانی با بیان اینکه باید پروژه های عالمانه ای برای گفت وگو با وهابیت شکل بگیرد، گفت: اکثریت وهابیت چهل دارند و نمی دانند شیعیان چه تفکراتی دارند و به همین دلیل با آگاهی بخشی و عدم تندروی می توان شیعه را به آن ها معرفی کرد.

وی با اشاره به افکار تکفیری های غیروهابی، ابراز داشت: تکفیری ها معتقد هستند که باید شیعیان را به قتل رساند چرا که معتقد هستند ما نسبت به مقدسات و رهبران مذهبی آن ها جسارت می کنیم و به همین دلیل سر شیعیان را می برند.

ارتزاق شبکه های شیعی نما توسط آمریکایی ها

مؤسسه بهداشت ملی انگلستان می‌باشند!! این مسأله نمی‌تواند خبر خوبی باشد و با اطمینان می‌توان گفت اینکه والدین از ابتدای به دنیا آمدن فرزندان، نسل جدید را با متد غربی‌ها هدایت کنند، سرانجامش به زندگی ایرانی – اسلامی ختم نخواهد شد.
ب: انجمن روان‌پزشکی کودکان و نوجوانان ایران هم بسته‌هایی آموزشی برای خانواده‌ها تهیه کرده است که مشخصات آن به این شکل است:

۱) برنامه «فرزندپروری سازنده» که در دانشگاه کوئینزلند استرالیا طراحی و اجرا شده است.
۲) بسته آموزشی «بهبود رابطه والد – کودک از طریق بازی» توسط گری.ال.لندرت و سو.سی.برائتون، تهیه و منتشر شده است.

۳) «انتخاب‌های درست» که یک بسته چند رسانه‌ای برای آموزش مهارت‌های اجتماعی به نوجوانان است و توسط لیندا، هربرت فورد تهیه شده است.
۴) بسته آموزشی «کمک! من یک نوجوان دارم» که توسط لیندا هربرت فورد تهیه شده است.

۵) تنها محصول بومی این انجمن نیز «آموزش روانشناختی در اختلال دو قطبی» یک بسته آموزشی است که توسط دکتر جواد محمودی قرائی، دکتر زهرا شهریور و خانم فیروزه ضرغامی تهیه شده است.
ج: علاوه بر اینها، با مروری بر کتابهای منتشرشده از سوی انتشارات «ص»، که از ناشران فعال در زمینه‌های روان‌شناسی تربیتی و خانوادگی است، می‌بینیم که این کتاب‌ها نیز امیدوارکننده نیست. دقت به کتب و موضوعات انتخابی نیز باعث تأسف است و بدتر آنکه هر کدام از این کتب بارها و حتی گاهی پانزده بار تجدید چاپ، و ظاهراً از آن استقبال شده است.

از میان ده‌ها عنوان کتاب چاپ‌شده تنها به چند مورد از آنها اشاره می‌کنم و مشاهده می‌کنید که روش آشنایی کودکان با خدا را نیز از یک نویسنده غربی ترجمه و چاپ کرده‌اند، همین‌طور مسائل تربیتی دختران و پسران و حتی آموزش دستشویی به کودکان...

معاون امور بین الملل حوزه های علمیه ایجاد شبکه های شیعی که رویکرد آن ها فحاشی به جریان اهل سنت متعصب است را یکی دیگر از دلایل افزایش خصومت میان شیعیان با وهابیت عنوان کرد و گفت: امروز شبکه هایی به نام شیعه از سوی آمریکا ارتزاق می شود تا نام شیعه را در اذهان عالم خراب کند و تحریک بخش اهل تسنن متعصب باشد که متأسفانه تاثیرگذار نیز بوده اند.

حجت الاسلام والمسلمین زمانی با تاکید براین که متأسفانه شاهد گسترش تکفیری های غیروهابی هستیم، ابراز داشت: باید از گروه های تندرو دوری کرد و نباید اقداماتی که موجب تحریک دشمنان می شود را انجام داد، چرا که آن ها به دنبال جدل و معارضه هستند.
اسلامیت نظام را در عمره به دنیا معرفی کنیم
معاون امور بین الملل حوزه های علمیه با اشاره به این که باید نسبت به معرفی اسلامیت نظام جمهوری اسلامی است در سفر عمره اهتمام داشت، افزود: اکثریت مسلمانان از اصل نظام و ایرانی ها استقبال می کنند.

حجت الاسلام والمسلمین زمانی تعبد و التزام دینی شیعه به احکام اسلام را یکی از توصیه های مهمی دانست که عمره گذاران باید توجه داشته باشند، ابراز داشت: صداقت و مهربانی شیعه به همه مسلمانان، معرفی مبانی معارف و فقهی شیعه از قرآن و عترت(ع)، گزارش اقدامات عظیم حوزه های علمیه شیعی، بیان تبری مذهب شیعه از لعن به مقدسات اهل تسنن و شبکه های شیعی نما، معرفی مبانی ولایت فقیه و معرفی شخصیت امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری از جمله مهم ترین توصیه هایی است که عمره گذاران باید توجه ویژه داشته باشند.

ترویج گسترده سبک زندگی غربی در ایران اسلامی!!

سید محمود خسروشاهی (مدیر اجرایی مرکز بررسی‌های اسلامی)

بعضی عناوین چاپ‌شده عبارت‌اند از:

۱) بازسازی زندگی پس از طلاق، دکتر بروس فیشر/ دکتر رابرت آلبرتی

۲) کلیدهای پرورش مهارت دوست‌یابی، دکتر میشل بربا

۳) راهنمای کامل تربیت کودک الیزابت پنتلی

۴) راهنمای بهبود روابط خواهر و برادرها، بت اسپانگین/ویکتوریا ریچاردسون

۵) کلیدهای آموزش و مراقبت از سلامت جنسی در کودکان و نوجوانان، دکتر کریستال دفریتاس

۶) کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها، دکتر نانسی

اسنایدرمن/ پگ استریپ

۷) کلیدهای تربیت و رفتار با پسرها، استیو بیدالف

۸) آموزش دستشویی رفتن به کودکان، مگ زویبک
* * *

نگرانی آنگاه بیشتر می‌شود که باید بگوییم این موارد تنها بخش کوچکی از حجم وسیع اطلاعات ترجمه‌شده غربی است که وارد کشور شده و مورد استقبال خانواده‌ها واقع شده است.

در این زمینه حرف بسیار است اما هدف من در اینجا تنها تذکر و هشداری به مسئولان فرهنگی کشور بود و صحبت‌های تفصیلی بماند برای وقتی دیگر.

لازم به ذکر است که در کنار تولید محصولات مشابه ایرانی – اسلامی، باید کتب چاپ‌شده و بسته‌های آموزشی رایج در بازار توسط محققان و فضلالی حوزه و دانشگاه مورد بررسی دقیق علمی و دینی قرار گرفته و در صورت مسأله‌دار بودن و عدم تطبیق با فرهنگ کشور بدون هیچ ملاحظه‌ای از ادامه توزیع آنها جلوگیری شود و از این پس نیز در صدور مجوز به کارهای مشابه، هوشیاری بیشتری صورت گیرد.

در پایان و برای رعایت انصاف باید از زحمات سیما فیلم در تولید تله فیلم‌هایی با موضوع زندگی اسلامی – ایرانی، از انتشارات بوستان کتاب در تولید نرم افزار و انتشار چندین کتب مفید در این زمینه تشکر و قدردانی کرد.

منبع: روزنامه اطلاعات

ما بالاخص خواهران مجموعه ما تلاش خواهند نمود در این عرصه فعالتر شوند؛ استراتژی کار ما این است که روی محورهای وحدت آفرین شیعه وسنی، بین طوائف مختلف جهان اسلام کار کنیم. این محور را کاملاً جلوه دهیم، بزرگ کنیم گسترش دهیم و جشن میلاد حضرت زهر(اس) را بایده جهانی کنیم.

دبیرکل مجمع تقریب در ادامه تصریح نمود: به یاری خدا در سه ماهه آینده مرکز گفتگوی دینی را در قم راه اندازی خواهیم کرد و دو یا سه ماه یکبار حلقه گفتگوی دینی تشکیل خواهیم داد که از علمای بزرگ شیعه وسنی و از مذاهب مختلف در قم جمع خواهند شد و پیرامون مسائل مختلف جهان اسلام به گفتگو خواهند پرداخت، ونتایج این بحث ها انشاءالله منعکس ومنتشر خواهد شد و آن هایی که به تصمیم عملی برسند و یا به پیشنهاد عملی خاصی برسند، برای اقدام به نهادهای مربوطه ابلاغ خواهد شد.

وی در پایان گفت: اقدامات وکارهای زیاد دیگری در مجمع درحال شکل گیری است و امید است سال ۹۳ سال نظم کاری و تعهد کاری باشد وانسجام شعارما خواهد بود؛ سال ۹۳ که با نام حضرت فاطمه زهر(اس) شروع شد انشاءالله سالی پر برکت باشد و شاهد جهش فعالیت های مجمع تقریب باشیم.

دکتر مبلغی:

اندیشه تاثیر صفات خداوند بر انسان مورد اهمال واقع شده است

همزیستی اجتماعی با تکیه بر تاثیر پذیری صفات الهی هستیم و باید اجازه دهیم تا صفات الهی و زیبایی‌های خداوند در جامعه بسط شود؛ چرا که خداوندی که اسلام را مطرح کرده، خدای صلح و دوستی است و نزدیکی اجتماعی و تاثیر از صفات خداوند است که می‌تواند زمینه توسعه و شکوفایی در جوامع را بوجود آورد و چالش‌های جهان را از بین برد.

حجت‌الاسلام والمسلمین مبلغی در ادامه با اشاره به نبود نگاه فطری به مسائل اجتماعی بویژه نزد علمای جهان اسلام، گفت: عدم وجود این نگاه باعث بحران برای جوامع بشری شده، چرا که عدم وجود نگاه فطری باعث بروز جاهلیت و تاثیر پذیری از اخلاق جاهلیت شده است.

وی در پایان گفت: ما برای عبور از بحران و چالش‌های جوامع اسلامی نیازمند توجه به مشترکات انسانی و وجود نگاه فطری هستیم و باید اجازه بدهیم که خورشید فطرت از مشرق اسلام طلوع کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین اوحدی:

«رفع تفرقه» اولویت فرهنگی مجمع تقریب

فرهنگی باشد.

حجت‌الاسلام اوحدی در ادامه افزود: حساسیت‌های مجمع تقریب اکنون بر کشورهایی است که مسئله تفرقه در آنها بیشتر مطرح می‌شود البته با کشورهای دوست هم ارتباطات گسترده داریم همین امروز یک هیئت ایرانی به کشور عمان اعزام می‌شوند و عمان هم به عنوان یک کشوری که رابطه خوبی با ایران دارد کنفرانسی را در زمینه وحدت و از بین بردن تفرقه با حضور دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب و سایر علما برگزار خواهد کرد.

وی یادآور شد: پس از عمان، سفرهایی به مالزی، اندونزی و پاکستان نیز برنامه‌ریزی شده است قطعاً این نشست و درخواست‌ها تأثیر خود را خواهد گذاشت گو اینکه دشمن هم با تمام وجود در صحنه و به شخصیت‌های فرهنگی چشم دوخته است بنابراین باید فعالیت‌های تقریبی برآیند خوبی در بدنه جوامع داشته باشد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

هدف دشمن ایجاد کینه ای عمیق و ریشه دار و در نهایت جنگ طایفه‌ای بین مسلمین است

وی افزود: در واقع بسیاری از کسانی‌که در سوریه می‌جنگند تحصیل کردگان، مطلعین و اهل دانش هستند و با دنیا در تماس هستند. ومطالب را خوب درک می‌کنند. اینان تحت تأثیر تبلیغات دشمن قرار گرفته اند، و چنین باورهایی برایشان بوجود آمده است . تا جایی که مدعی هستند الان جنگ ، جنگ شیعه و سنی است. وتصریح می‌کنند که الان جنگ ما با شیعیان است نه جنگ با اسرائیل واینگونه تحلیل می‌کنند که جنگ با اسرائیل، اولویت اول ما نیست. چون اسرائیل فکر نابودی ما را ندارد ونمی‌خواهد ما را ریشه کن کند. ولی جنگ با شیعیان ، موضوعیت دارد . ما اگر می‌خواهیم باشیم شیعه نباید باشد. ومطمئناً چنین تفکری در بین شیعیان نیز ترویج شده است. که اگر ما می‌خواهیم باشیم سنی ها نباید باشند.

آیت الله اراکی در ادامه گفت: دشمن می‌خواهد بین جامعه اسلامی و تنبگان این باور را ایجاد وترویج نماید که بقای هر کدام از این گروه ها بر حذف گروه دیگر استوار است . این ها همه هدف دشمن است ودشمن درحال ترویج آن است ودقیقاً استراتژی دشمن تقویت همین ایده، احساس و طرز تفکر می‌باشد که این بسیار خطرناک است و مسئولیت ما را به عنوان مجمع تقریب سنگین تر می‌کند.

وی افزود: دشمن امکاناتی را که برای این کار بسیج کرده فراوان وزیاد است، هم پول، هم امکانات و نیروی نظامی، هم متفکرین واستراتژیست های نظامی و فرهنگی ، جامعه شناس ها روان شناس های اجتماعی، همه را بسیج کرده تا این روند را گسترش دهد. لذا از ما بعنوان مجمع تقریب این انتظار می‌رود خود را بیشتر تجهیز کنیم و به تناسب جبهه ای که بر علیه تقریب و وحدت جامعه اسلامی باز شده، کارمان را توسعه و تقویت

با تاکید بر ضرورت وحدت اسلامی انجام گرفت

پایان کار کنفرانس «تحول در علوم فقهی» عمان

اجتهادی علما، بر اساس شرایط زمانی و مکانی مطرح شده که باید در بررسی نظرات، فتواها و نگاشته‌های فقهی آنان مدنظر قرار گیرد و نظر فقهی در سایه تاثیرات زمانی و مکانی و بازخوانی اصطلاحات شرعی وابسته به مشترکات انسانی و تعمیق آن مورد اجماع قرار گرفت. در ادامه این بیانییه آمده است: توسعه مشترکات بین علمای مذاهب مختلف فقهی می‌تواند برای از بین بردن بن بست‌های فکری و تلاش برای نزدیکی دیدگاهها راهی برای دستیابی به مشترکات انسانی مورد اتفاق است. در ادامه این بیانییه بر ارزش‌هایی مانند آزادی، مساوات، رحمت، عدل، آشنایی با یکدیگر، کرامت و خیرخواهی که در قرآن کریم و سیره شریف نبوی بدان اشاره شده و بازگشت به این ارزشها برای رسیدن به حقوق مشترک انسانی مورد تاکید قرار گرفت.

شرکت کنندگان همچنین بر ضرورت نهادینه سازی مبانی حقوق انسانی از هر اندیشه، قومیت، نژاد و دین بر اساس تاکیدات شریعت اسلامی مبنی بر پاسداری از کلیات پنج گانه یعنی حق دین، نفس، عرض، مال و احیای ارزشهای اخلاقی و گنجاندن ماده‌ای بر اساس آن در برنامه‌های مدارس و دانشگاهها و همچنین رسانه‌ها که از مهمترین این برنامه‌ها آموزش ادب اختلاف و پذیرفتن یکدیگر است را ضروری دانستند.

آنها همچنین با تاکید بر ضرورت مقابله با جریانهای تنش زا و تفرقه افکن در روابط بین مسلمانان و روابط آنان با جهان، این امر را با تحقق نشر و گسترش ارزشهای قرآنی از جمله آزادی، کرامت، شناخت یکدیگر و خیرخواهی برای عامه مردم عملی دانستند.

شرکت کنندگان در بند پایانی این توصیه‌ها، دعوت به وحدت بین مسلمانان و همکاری، همیاری و همبستگی ایشان؛ بر اساس آیه قرآنی «انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم» را ضروری و همکاری مسلمانان با یکدیگر را تکلیف و واجبی دانستند که منافع و بهره‌های فراوان برای مسلمانان خواهد داشت.

به گزارش خبرگزاری تقریب(تنا)، آیت الله «محسن اراکی» در جمع کارکنان مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و خبرگزاری تقریب، با بیان این که مجمع تقریب باری سنگین برای مقابله با توطئه های دشمن بر دوش دارد،اظهار داشت: در طول تاریخ اسلام هیچ گاه دوره ی زمانی نبوده است که از سوی دشمنان اسلام این برنامه سنگین واین سرمایه گذاری بی نظیر، گسترده و همه جانبه برای ایجاد جنگ داخلی وایجاد کینه، دشمنی ریشه دار و دشمنی عمیق بین مسلمین انجام شود.

وی با تاکید بر این که همه هجمه های دشمن بر تفرقه بین گروهها و طوائف اسلامی متمرکز شده است، تصریح نمود: برنامه امروز دشمن ذخیره سازی سوخت جنگ قومی و وفتنه مذهبی در بین مسلمین است؛ سوختی که بتواند برای همیشه ماندگار شود. و تنها سوخت این جنگ ایجاد فتنه و دشمنی عمیق است آن هم دشمنی همراه با هیجان. به گونه ای که هر طائفه ای نسبت به طائفه دیگر این احساس را داشته باشد که وجود این طائفه بستگی به نابودی طائفه دیگر دارد. دبیرکل مجمع تقریب با اشاره به سفر اخیر خود به عمان و دیدار با یکی از علمای اهل سنت مخالف دولت سوریه، گفت: ذهنیت وی چنان خراب شده بود که می گفت شما مخالف اهل سنت در سوریه هستید وسفارش می کرد که بیایید از این کار دست بردار؛ این نشان از تغذیه وترویج چنین برداشت هایی در سوریه و عراق دارد . وی همچنین گفت: در این سفر با مسئولان مختلف عمانی از جمله وزیر اوقاف و وزیر امور خارجه دیدار داشتیم و پایه همکاریهای خوبی درعرصه تقریب ریخته شد.

با تاکید بر ضرورت وحدت اسلامی انجام گرفت

کنفرانس بین‌المللی «تحول در علوم فقهی» در مسقط پایتخت عمان با اشاره به چالش‌های مختلف جهان اسلام، بر ضرورت استحکام برادری و وحدت اسلامی تاکید کرد.

در این کنفرانس که بیش از ۲۰۰ تن از اندیشمندان و نخبگان جهان اسلام و همچنین آیت الله احمد مبلغی رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی و رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی و آیت الله محسن اراکی دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی حضور داشتند با قرائت بیانییه پایانی و ارائه توصیه‌های شرکت کنندگان به کار خود پایان داد.

«سالم بن هلال الخروصی» مشاور وزیر اوقاف و امور دینی عمان در سخنانی در مراسم اختتامیه تاکید کرد: کنفرانس عمان این پیام را به جهانیان ابلاغ کرد که ارزشهایی مثل آزادی، مساوات، رحمت، عدل، کرامت و خیر برای عامه مردم است و این از آموزه‌های شریعت اسلامی، سیره شریف نبوی و قرآن کریم می‌باشد.

وی افزود: از مهمترین اهداف برگزاری این کنفرانس دعوت مسلمانان به وحدت و همکاری و همیاری با یکدیگر است آنچنان که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم، لذا این امر، تکلیفی واجب است.وی در ادامه به قرائت بیانییه پایانی این اجلاس پرداخت و با اشاره به موضوع کنفرانس که با هدف بررسی «نگاه فقهی به مشترکات انسانی و مصالح آنان» برگزار شد، گفت: معنی «مشترکات انسانی»، ارزشهای انسانی موجود در همه ادیان، تمدنها و مدارس فکری است که پاسخگوی نیازهای فطری انسان می‌باشد و آن عبارت است از برقراری عدالت، انصاف، تحقق آزادی و کرامت انسانی که در همه ادیان، فرهنگها و تمدنها مشترک است.

در بیانییه پایانی که با هدف ارائه توصیه‌های لازم ارایه شده است شرکت کنندگان با اشاره به بررسی مشترکات انسانی از دیدگاه علمای اسلام آمده است: نظرگاه

۸ بهشت

◄ شماره ۱

◄ شماره مسلسل ۱۴۷۱

فرهنگی

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی
دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی صاحب امتیاز و مدیرمسوول: سیدهادی خسروشاهی سر دبیر: سید محمود خسروشاهی دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفائیة) / نبش ممتاز تلفکس:۱۴۲۳ ۳۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر
مجموعه سایت‌های مرکز مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

انتقاد وارده

با سلام

جناب آقای الیاس حضرتی

محترماً: امروز در صفحه اول روزنامه اعتماد خواندم که سه روز از ۲۰ تا ۲۲ ، به «مناسبت ایام شهادت حضرت زهرا(س)»!در دفتر روزنامه، روضه دارید.قبول باشد!ولی این روزها ایام شهادت نیست..دو هفته قبل در قم و هفته قبل در تهران مراسم همه جابر گزار شد..استمرار آن توسط دوستان، بی تردید اغراض سیاسی خاصی است که امید است از آن پرهیز کنیدو انتقاد آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی(دام‌ظله) یکی از مراجع را بخوانید و حتماً هم آن را همراه خبر مسرت بخش دیگر (پرسش و پاسخ جالب با رئیس الازهر درباره اختلافات شیعه و سنی) در روزنامه نقل کنید

جناب حضرتی:

راستی! آیا استمرار مراسم عزاداری توسط شما و مؤمنین، موجب دوری نسل جوان از اصل موضوع نخواهد بود؟ داوری به عهده خودتان

یاحق
دکتر حسینی – خواننده روزنامه اعتماد
رونوشت: هفته‌نامه بعثت
۹۳/۱/۱۸

انتقاد آیت‌الله شبیری زنجانی از ترویج دهه‌های پیاپی عزاداری

آیت الله شبیری زنجانی نسبت به ترویج دهه های پیاپی عزاداری هشدار داد و گفت: افراط در عزاداری‌ها به تفریط می‌انجامد. جامعه عرفا نمی‌تواند نسبت به این همه عزاداری پیاپی مراقبت داشته باشد و سرانجام به انکار مجموع عزاداری روی می‌آورد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی آیت الله شبیری زنجانی، این مرجع شیعیان در جمع تعدادی از روحانیون و طلبه‌های حوزه علمیه قم که در دفتر ایشان حضور داشتند، ترویج دهه‌های پیاپی عزاداری را زمینه ساز رویگردانی جامعه از عزای اهل بیت علیهم السلام دانست و گفت: همین طور پشت سر هم دهه درست کردن، توسط جامعه قابل پذیرش نیست و به مرور زمان زمینه انکار مجموعه عزاداری‌ها به وجود می‌آید. افراط در عزاداری‌ها به تفریط می‌انجامد.

آیت الله شبیری با غیر شرعی خواندن هتک حرمت عزاداری‌ها، خاطر نشان کرد: حدیث خاصی راجع به مدت زمان عزاداری‌ها نیست. اگر برپایی مجلسهای شادی در زمانی باشد که در عرف آن را هتک حرمت عزای اهل بیت(ع) می‌دانند خلاف شرع است. البته این که چه کاری هتک حرمت است را خود افراد باید تشخیص بدهند.

این مرجع تقلید افزود: قول ما درباره اینکه آیا شادی در ایامی غیر از روز شهادت هتک حرمت هست یا نه، حجت نیست و جامعه مشخص می‌کند تا چه زمانی باید عزا نگه داشته شود. اما متأسفانه عده‌ای امروزه با افراط در عزاداری‌ها زمینه هتک حرمت را فراهم می‌کنند و این افراد در این زمینه مسوولند. آیا واقعا کسی که مدعی محب اهل بیت(ع) بودن است موظف به این کارهاست؟!

آیت الله شبیری زنجانی ادامه داد: امروزه برخی از منبری‌ها و مداح‌های بی تقوا حرفهای بی سند و مجلسهای بی سندی را ترویج می‌کنند و پس از ترویج آن در جامعه، عرف هر گونه مجلس شادی را در ین ایام هتک حرمت می‌نامند. افراد هم شرعا موظفند هتک حرمت نکنند اما حتما ما باید موضوع را درست کنیم و بعد آن را تبلیغ کنیم تا باعث هتک شود؟

در گفتگو با شبکه مصری «نیل» مطرح شد

پرسش و پاسخ جالب با رئیس الازهر درباره اختلافات شیعه و سنی

– شیخ طیب گفت: بله قبول ندارند، اما مگر اعتقاد به ابوبکر و عمر جزو اصول دین اسلام است؟

قصه ابوبکر و عمر یک قصه تاریخی است و تاریخ به اصول اعتقادات ربطی ندارد.

خبرنگار که از این جواب جا خورده بود گفت: شیعیان یک ایراد دارند آن هم اینکه می‌گویند امام زمانشان از ۱۰۰۰ سال پیش هنوز زنده است.

– شیخ پاسخ داد: خوب ممکن است، چرا ممکن نباشد، ولی دلیلی ندارد ما اعتقاد آنان را داشته باشیم.

خبرنگار پرسید: آیا ممکن است کودک ۸ ساله امام باشد؟ شیعیان معتقدند کودک ۸ ساله امام شده است.

– شیخ گفت: وقتی یک طفل در گهواره پیغمبر بشود اینکه یک کودک ۸ ساله هم امام باشد عجیب نیست، هرچند ممکن است ما به عنوان اهل تسنن این اعتقاد را قبول نداشته باشیم؛ اما این موضوع به اسلام آنها صدمه‌ای نمی‌زند و آنها مسلمانند.

خبرنگار گفت: می‌گویند شیعیان قرآنشان فرق می‌کند.

– شیخ طیب پاسخ داد: این حرف‌ها خرافه پیرزن‌ها است. قرآن شیعیان با ما هیچ فرقی ندارد و حتی رسم الخطشان نیز مانند قرآن ما است.

خبرنگار گفت: ۲۳ روحانی از یک کشور(عربستان) فتوا داده‌اند که شیعیان کافرند، رافضی هستند.

– شیخ گفت: برای مسلمین جهان فقط الازهر می‌تواند فتوا دهد و فتوای آنها اعتباری ندارد.

خبرنگار گفت: پس این اختلافاتی که بین شیعه و سنی مطرح می‌کنند چیست؟

– شیخ پاسخ داد: این اختلافات سیاست خارجی است و می‌خواهد بین شیعه و سنی اختلاف بیاندازد.

خبرنگار گفت من یک سوال جدی دارم: شیعیان که ابوبکر و عمر را قبول ندارند، چگونه می‌گویید این‌ها مسلمان هستند؟

این که وقتی مسیر عوض می شود این شبهه پدید می آید که به چه دلیل آن زمان مسأله به صورتی بوده و در حال حاضر در شکلی دیگر. چنین شبهه ای شاید تأثیر منفی روی اذهان متدینین داشته باشد.

آنچه در این موارداهمیت دارد، توجه داشتن به این نکته است که معمولاً تحت عنوان «مصلحت» سبب این قبیل تصمیم گیری توسط دولتها شده و به نوعی موقتی است. مثلاً روزگاری که قرار بوده یارانه به همه پرداخت شود به اسم بیت المال امام زمان (علیه السلام) و گفتن این که توسط حضرت مدیریت می شود به همه پرداخت می شد، از روی مصلحت بود، واکتون نیز که قرار است به عده ای خاص پرداخت شود، باز از روی مصلحت است اما کسانی دنبال یافتن مفاهیم تازه دینی برای جا انداختن آن هستند و از این جهت به نهادی های دینی روی می آورند. روشن است که هر دو تصمیم، تابع مصالحی است که دولت ها بنا به آنچه تشخیص می‌دهند، به آن اقدام می کنند. در چنین مواردی درگیر کردن فقها در این مطلب و اظهار نظر فقهی بر اساس حکم اولیه در این باره، باید بسیار محتاطانه باشد، زیرا ممکن است به ایجاد نوعی تعارض روبرو شود. برای مثال، استناد به این که مثلاً این پول مخصوص فقیر است و هر کسی که از نظر فقهی اطلاق فقیر بر او می

اعوانی، مرتضی شجاری، علی افضلی، علی حقّی، سیدموسی دیباج، یوسف نوظهور، سیدحسین موسویان، محمدجواد اسماعیلی، سیدمصطفی شهرآیینی، اسدالله فلاحی، مصطفی زالی و روح‌الله عالمی، فاطمه مینایی، طاهره کمالی‌زاده، مجید صدرمجلس، یحیی بوذری‌نژاد، ایمان شفیع‌بیک و محسن حبیبی آمده است.

در ادامه نیز چند متن ترجمه شده با عناوین «منطق‌دانان اندلس و نقش آنان در پیشرفت منطق اسلامی» از محمدمهران رشوان بر ترجمه سعید انواری، «مفهوم نور در آموزه معنوی سهروردی» از هانری کربن با ترجمه محمدامین شاهجویی و «هدف حیات فلسفی» از ویلیام چپتیک با ترجمه سیدامیرحسین اصغری به چاپ رسیده و پس از مطلبی با عنوان «میراث فیلسوف» از محمدجواد اسماعیلی و علی گل‌باز، پایان‌بخش این ارج‌نامه دست‌نوشته و غزلی از استاد است.

ارج‌نامه غلامرضا اعوانی نیز که با عنوان «سالک حکمت» منتشر شده، مشتمل بر ۵۳ مقاله فارسی و ۱۷ مقاله انگلیسی است که مقالات فارسی آن در ۱۰ بخش با عناوین «درباره سالک حکمت»، «حکمت و فلسفه اسلامی»، «ادیان و عرفان»، «منطق و کلام اسلامی»، «فلسفه تطبیقی»، «حکمت خالده»، «فلسفه غرب»، «اخلاق»، «تاریخ و فلسفه علم» و «علوم انسانی» دسته‌بندی شده است.

در بخش «درباره سالک حکمت» مطلبی از

دکتر احمد طیب رئیس الازهر در گفتگو با شبکه نیل مصر مطالبی درباره عقاید شیعه و سنی مطرح کرد که متن آن در ذیل از نظر تان می‌گذرد:

خبرنگار سوال کرد آیا به نظر شما عقاید شیعه مشکل ندارد؟

– شیخ طیب جواب داد: نه چه مشکلی دارند، ۵۰ سال پیش شیخ شلتوت فتوا داده است که شیعه مذهب پنجم اسلام و مانند مذاهب دیگر است.

خبرنگار گفت: فرزندان ما در حال شیعه شدن هستند چه باید بکنیم؟

– شیخ جواب داد: خوب بشوند مگر کسی از مذهب حنفی به مالکی برود ما اشکالی به او می‌گیریم؟ خوب این‌ها هم از مذهب چهارم به مذهب پنجم رفته‌اند.

خبرنگار پرسید شیعیان با ما درحال قوم و خویشی هستند و با فرزندان ما ازدواج می‌کنند.

– شیخ جواب داد: چه اشکالی دارد، بین مذاهب ازدواج آزاد است.

حجت الاسلام دکتر رسول جعفریان

این روزها نهادهای مختلفی در باره یارانه اظهار نظر می کنند و در این میان نهادهای دینی هم. ضمن آن که باید از مشارکت همه در این مساله ملی حمایت کرد اما در این باره نکاتی هم وجود دارد که توجه به آن شاید سودمند باشد.

تجربه نشان داده است که هرگاه دولت های پس از انقلاب نیاز به ایجاد فضای مناسب برای انجام اقدامات کلان خود داشته اند، دست به دامن علما شده اند. خاطرم هست که زمانی که اصرار بر داشتن فرزند کمتر بود، مجری سیمبا با آیت الله یزدی صحبت می کرد و ایشان که قرار بود آن مسأله را جا بیندازد، تأکید اشت که لابد برای این از ما می پرسید که وقتی مسأله را از لحاظ دینی توضیح می دهیم مردم بیشتر قبول می کنند. این نکته، دلیل اصلی درگیر کردن علما در این قبیل مباحث است.

بسیاری از مردم ایران در بیشتر موارد، در مشروطه یا ملی شدن نفت و یا انقلاب اسلامی، تابع اعلامیه ها و بیانات مراجع تقلید بوده اند و در این زمینه خطرات زیادی را پشت سر گذاشته اند. ... اما در اینجا نکات باریک تر از مو هست که باید به آن توجه داشت و آن

کتاب‌های «سالک فکرت؛ ارج‌نامه استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی» و «سالک حکمت؛ ارج‌نامه استاد دکتر غلامرضا اعوانی» به همت مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران منتشر شد.

بنا بر این گزارش، در کتاب «سالک فکرت» پس از مقدمه و گزارش گفت‌وگوی فلسفی عبدالحسین خسروپناه، سید محمود یوسف‌ثانی، فاطمه فنا، محمدجواد اسماعیلی و احمد مظاهری با غلامحسین ابراهیمی دینانی، مقالاتی با موضوعات گوناگون از اساتید و محققان برجسته حوزه‌های مختلف فلسفی ایران آمده است.

«همت و نقش خیال» از سیدمحمد خامنه‌ای، «انحصار جهت قضایا در ضرورت و امکان» از احمد احمدی، «تقابل معتزلی – اشعری؛ صورت مثالی تقابل‌ها در تاریخ فلسفه» از رضا داوری اردکانی، «عشق در غزلیات سعدی» از غلامرضا اعوانی، «چه می‌شود که به خواب می‌رویم؟ (نگاهی به خواب از منظر معرفت)» از غلامعلی حدادعادل، «فریدالدین غیلانی و کتاب حدوث العالم» از مهدی محقق، «تبیینی واقع‌گرایانه از علوم انسانی اسلامی» از عبدالحسین خسروپناه و «درباره فلسفه فرهنگ» از علی‌اکبر رشاد برخی از این مقالات است.

در ادامه نیز مقالاتی از پرویز ضیاء شهابی، مهدی دهباشی، حامد ناجی اصفهانی، حسن سیدعرب، شهین

مروری بر ارج‌نامه‌های تازه منتشره «غلامحسین دینانی» و «غلامرضا اعوانی»

سیدحسین نصر با عنوان «خاطراتی از دوست شفیق و همراه طریق سوی حق غلامرضا اعوانی» آمده و پس از گزارش گفت‌وگوی شهین اعوانی و حامد زارع با غلامرضا اعوانی که با عنوان «سنت‌گرا یا حکمت‌گرا» به چاپ رسیده، مطلبی از حسن بلخاری قهی و شهین اعوانی آمده است.

در بخش «حکمت و فلسفه اسلامی»، «منطق و کلام اسلامی»، «فلسفه تطبیقی»، «حکمت خالده» و «فلسفه غرب» نیز مقالاتی از آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای، رضا داوری اردکانی، غلامعلی حداد عادل، سیدمصطفی محقق داماد، ضیاء موحد، منوچهر صدوقی سها، نجفقلی حبیبی، محمدمنصور هاشمی، سیدمحمود یوسف‌ثانی، اسدالله فلاحی، شاپور اعتماد، پرویز ضیاء شهابی، مهدی دهباشی، بیژن عبدالکریمی، بابک عالیخانی، علی افضلی، محمدجواد اسماعیلی و تنی چند از دیگر محققان به چاپ رسیده است.

محسن جهانگیری، شهرام پازوکی، سیدموسی دیباج، قاسم کاکایی برخی از نویسندگان بخش ادیان و عرفان این ارج‌نامه هستند و محسن جوادی، احد فرامرز قراملکی و حسین شیخ‌رضایی نیز مقالات بخش اخلاق آن را به رشته تحریر درآورده‌اند.

در موضوعات تاریخ و فلسفه علم و علوم انسانی نیز مطالبی از علی پایا، مهدی گلشنی، عبدالحسین خسروپناه و امیراحسان کرباسی‌زاده به چاپ رسیده است.